

انترناسیونال



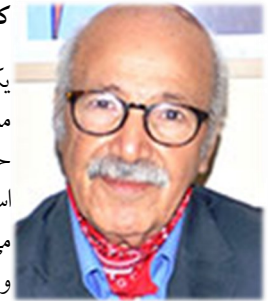
حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۱۰۳۱

جمعه ۹ تیر ۱۴۰۲، ۳۰ ژوئن ۲۰۲۳

دیکتاتورها و وحشت از فضای مجازی

کاظم نیک‌خواه



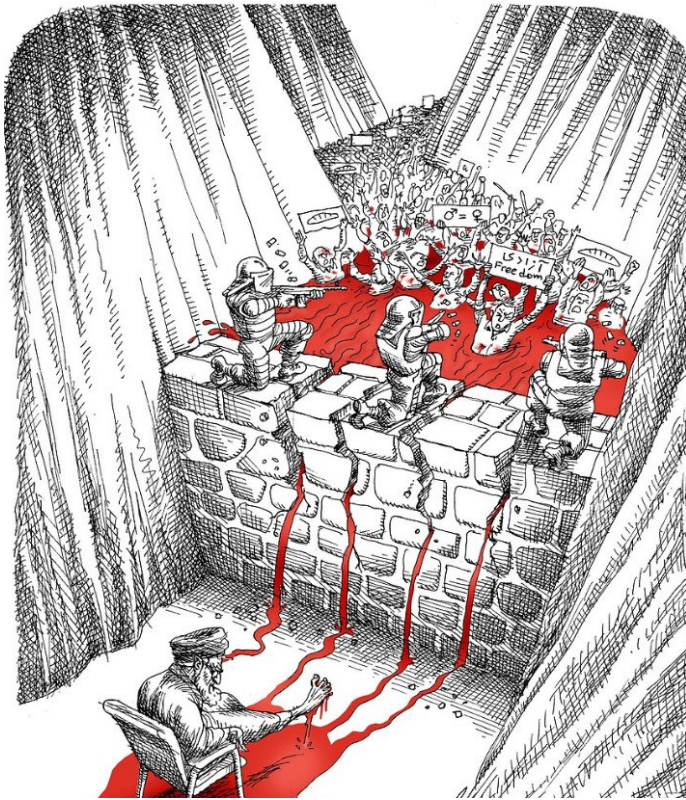
یک بحث داغ در سال‌های اخیر این است که مدیای اجتماعی و اینترنت تا چه حد به نفع حاکمین و دولتهاست و تا چه حد به نفع مردم است. مخالفین مدیای اجتماعی و رسانه‌ها می‌گویند اینترنت باعث شده است که برای پلیس و اطلاعات و دولت‌ها کنترل مردم ساده‌تر شود و آنها می‌توانند از طریق اینترنت به مکالمات مخالفین سیاسی خود دسترسی پیدا کنند و آنها را کنترل کنند و امثال اینها. این یک واقعیت است. پلیس و اطلاعات سایبری در اشکال بسیار متنوعی به اطلاعات مخالفین سیاسی دسترسی پیدا می‌کنند و از این اطلاعات برای ایجاد خفقان و سانسور استفاده می‌کنند.

اما واقعیت مهم‌تر این است که مدیای اجتماعی انحصار رسانه‌ای را از دست حکومت‌ها و صاحبان ثروت و سرمایه خارج کرده و توده مردم را وارد عرصه رسانه‌ای کرده است. به مردم امکان داده است که حرف‌های خود را وسیعاً بازنشر دهند. مدیای اجتماعی امکان سانسور را از حاکمین گرفته است. حکومت‌ها و نیروهای اطلاعاتی و پلیسی آنها همیشه انحصار رسانه‌ای را داشته‌اند و از آن برای ایجاد خفقان و سانسور استفاده کرده‌اند. تحولی که الان صورت گرفته این است که مردم در ابعاد میلیونی خبررسانی می‌کنند، افشاگری می‌کنند، سازماندهی می‌کنند، نیرو جابه‌جا می‌کنند، و حتی پشت‌صحنه حکومت‌ها را بیرون می‌ریزند و برای عموم برملا می‌کنند. به همین دلیل این دولت‌ها و به‌ویژه دیکتاتورها هستند که باید از مدیای اجتماعی وحشت داشته باشند، تا مردم عادی.

یک نمونه‌اش جمهوری اسلامی است که شاید منفورترین حکومت در روی کره زمین است. این حکومت دستگاه عریض و طویل سایبری دارد که فعالین و کاربران مدیای اجتماعی را شناسایی و دستگیر کنند و یا آنها را هک کنند و امثال اینها. با وجود این برای جمهوری اسلامی مطلقاً ایجاد سانسور و خفقان اطلاعاتی امکان‌پذیر نشده است.

به همین دلیل است که در هفته جاری خامنه‌ای در جمع قضات و کارکنان دستگاه قضائی آنها را به فعال‌تر شدن برای مقابله با فضای مجازی فراخواند و گفت "اینکه یک عده با استفاده از فضای مجازی یا غیرمجازی روی اعصاب مردم راه بروند و

ادامه در صفحه ۲



منصور حکمت و انقلاب زن زندگی آزادی
تدوین شده بر مبنای مصاحبه حمید تقوایی با کانال جدید
صفحه ۲

"شورش واگنر" در روسیه، نگرانی حاکمان در ایران!
محسن ابراهیمی
صفحه ۵

توازن قوا و گام‌های پیش رو
متن گفتگو با کاظم نیکخواه در برنامه سازمانده در کانال جدید
صفحه ۶

نگاهی به درگیری مسلحانه در اردوگاه حزب کومله کردستان
تدوین شده بر مبنای مصاحبه حمید تقوایی با کانال جدید
صفحه ۹

اطلاعیه‌های حزب کمونیست کارگری در هفته اخیر
صفحه ۱۲

ادامه لیست کمک‌های مالی به حزب

صفحه ۱۴

می‌شوند و علیه فساد و لجن حاکم افشاگری می‌کنند، خواب ندارند و هر روز مثل خامنه‌ای احساس می‌کنند که مردم دارند "روی اعصاب آنها راه می‌روند و آنها را می‌ترسانند."

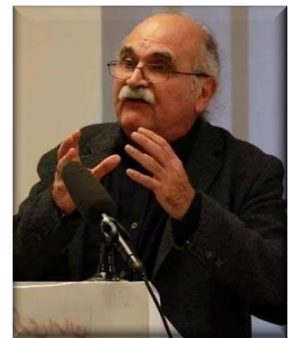
در واقع مدت‌هاست که دوره‌ای که فقط حاکمین می‌توانستند تفاسیر خود از وقایع را به جامعه پمپاژ کنند تمام شده است. امروز همان قدر که جانبان حاکم امکان پمپاژ لجن به جامعه را دارند، تک‌تک مردم هم امکان افشای دستگاه لجن آنها و تبلیغات علیه حاکمین و متحدشدن علیه آنها را دارند. از درون خانه‌ها و زندان‌ها و جلسات و نشست‌های فرماندهانشان خبرها به بیرون درز می‌کند و کاربران میلیونی در فضای مجازی علیه تعفن حاکم سخن می‌گویند و اعصابشان را خراب می‌کنند و آنها را می‌ترسانند. قوه قضائیه کذائش شان هم سال‌هاست ورود کرده و دستگیر و جنایت کرده؛ اما ذره‌ای در عقب راندن فضای مجازی موفقیت نداشته است. پس زنده‌باد کاربران میلیونی فضای مجازی و نابود باد تمام سیستم‌های متحجر و ضدانسانی!

دیکتاتورها و وحشت از فضای مجازی از صفحه نخست

امنیت ذهنی مردم را به هم بزنند و مردم را بترسانند، این خلاف مقتضی احیای حقوق عامه است. قوه قضائیه باید با برنامه‌ریزی، انضباط و باقاعده وارد بشود."

این در واقع اعترافی است به اینکه مدیای اجتماعی خواب راحت را از بالاترین رده‌های حکومت گرفته است. حکومت اسلامی سال‌هاست برای کنترل فضای مجازی تلاش و تقلا کرده و برای کنترل آن جنایات زیادی نیز مرتکب شده که یک نمونه بارز آن به قتل رساندن ستار بهشتی به خاطر فعالیت در مدیای اجتماعی است. اما همچنان فضای مجازی و مدیای اجتماعی بیش از پیش خار چشم خامنه‌ای و جنایت‌کاران و اختلاسگران و متجاوزان و دشمنان مردم است. خودشان از هزار جور پلیس سایبری برای نفوذ و شناسایی مخالفین و غیره هر روز استفاده می‌کنند؛ اما از اینکه مردم وسیعاً در رسانه‌های اجتماعی حضور دارند و حرفشان را می‌زنند و از جلسات مخفیانه‌شان باخبر

منصور حکمت و انقلاب زن زندگی آزادی تدوین شده بر مبنای مصاحبه حمید تقوایی با کانال جدید



اعلام نظر منصور حکمت در مورد انقلاب زنانه در حزب ما تبدیل شد به نهادی با عنوان انقلاب زنانه که پیگیرانه تا امروز فعالیت کرده و نقش مؤثری در شکل‌دهی و تدارک سیاسی اجتماعی انقلاب جاری داشته است.

ولی تأثیر نظرات و سیاست‌های منصور حکمت به این محدود نیست. منصور حکمت جنبش انقلابی، جنبش توده‌ای برای سرنگونی جمهوری اسلامی را تنها راه نجات جامعه می‌دانست. او پس از خیزش ۱۸ تیر ۷۸ در نوشته‌ای اعلام کرد که جنبش توده‌ای برای سرنگونی جمهوری اسلامی آغاز می‌شود و این جنبش تا امروز نقاط اوج متعددی داشته که متأسفانه منصور حکمت دیگر زنده نبود که شاهد آنها باشد. در سال ۸۸ ده سال بعد از خیزش ۱۸ تیر، دیدیم که جنبش سرنگونی سربلند کرد، در ۹۶ همین‌طور، در ۹۸ همین‌طور و امروز هم این جنبش با انقلاب زن زندگی آزادی به نقطه اوج تازه‌ای رسیده است. اینها همه نشان می‌دهد که آن استراتژی، آن خط و افقی که منصور حکمت به‌عنوان یک جنبش توده‌ای برای سرنگونی جمهوری اسلامی در برابر جامعه می‌گذاشت نقطه اوج‌های متعددی داشته و امروز یک واقعیت جاری است.

علاوه بر آن امروز مردم دارند اعلام می‌کنند "ما همه با هم هستیم" و مشخصاً در جنبش علیه اعدام این به یک شعار و هشنگ توده‌ای تبدیل شده. منصور حکمت یک بحث این بود که انقلابی که در ایران شکل می‌گیرد خصیلتی توده‌ای خواهد داشت و اقشار وسیعی از جامعه در آن شرکت خواهند کرد و این توده وسیع تنها می‌تواند تحت یک پرچم، تحت پرچم انقلابی طبقه کارگر برای رفع ظلم و رفع تبعیض و سرکوب بلند کند و به پیروزی برسد. ما این را امروز می‌بینیم که انقلابی که حول شعار زن زندگی آزادی آغاز شده و مردم دارند شعار می‌دهند کرد، بلوچ، آذری، آزادی و برابری در واقع منطبق بر خطی است که منصور حکمت تئورسینش بود، بشارت‌دهنده و نویددهنده‌اش بود و در تمام عمر سیاسی‌اش برای تحقق آن کوشید و حزبی را پایه گذاشت که این پرچم را تا امروز برافراشته نگاه داشته است.

سیما بهاری: در ۱۳ تیرماه سال ۱۳۸۱ برابر با چهارم جولای ۲۰۰۲ قلب سرشار از عشق منصور حکمت، قلبی که برای انسانیت می‌تپید و رؤیای برپایی یک جامعه آزاد و

برابر را در خودش می‌پروراند بر اثر سرطان از تپش باز ایستاد. منصور حکمت، متفکر تئورسین بزرگ مارکسیست و انقلابی بزرگ، فردی بود که تمام طول زندگی سیاسی‌اش، یعنی از انقلاب ۵۷ که وارد سیاست شد، برای برپایی یک جامعه برابر و یک‌دنیای بهتر تلاش کرد. امروز یک انقلاب زنانه، انقلاب زن زندگی آزادی در جریان است و این منصور حکمت بود که ۲۱ سال قبل اعلام کرد انقلاب آتی ایران به احتمال زیاد انقلابی زنانه خواهد بود.

امروز در برنامه گفتگو همراه هستیم با حمید تقوایی که از همراهان و هم‌زمان نزدیک منصور حکمت بوده و می‌خواهیم تأثیر منصور حکمت بر انقلاب جاری و متد و نگاهش به مسائل سیاسی را مورد بحث قرار بدهیم.

حمید تقوایی سؤال اول من این است که آیا در انقلاب زن زندگی آزادی جای پای از منصور حکمت را می‌شود دید؟ کدام نشانه‌ها؟

حمید تقوایی: به نظر من منصور حکمت را می‌توان معمار انقلاب زن زندگی آزادی دانست. منصور حکمت در جنبش کمونیستی و در جنبش کارگری نیز جایگاه برجسته‌ای دارد که امیدوارم به آن هم بپردازیم. ولی نقش او به‌عنوان پرچم‌دار، به‌عنوان بشارت‌دهنده و نویددهنده و به‌عنوان زمینه‌ساز انقلاب نیز به همان اندازه مهم و برجسته است. الان که انقلاب زن زندگی آزادی سر بلند کرده ما نه تنها رد پا و تأثیرات منصور حکمت را اینجوا و آنجا می‌بینیم؛ بلکه نفس شکل‌گیری انقلاب به نظر من تحقق آینده‌ای است که منصور حکمت در نظر داشت و در برابر جامعه قرار می‌داد. شما اشاره کردید که منصور حکمت ۲۱ سال قبل پیش‌بینی کرد انقلاب آتی ایران زنانه خواهد بود. امروز همه دنیا خیزش جاری در ایران را انقلاب زنانه می‌نامند. اولین انقلاب زنانه در تاریخ. این را منصور حکمت با دید عمیقی که داشت، با تحلیل درستی که داشت، بیش از دو دهه قبل اعلام کرد و می‌بینیم امروز منتحقق شده.

نکات بسیار است. به‌عنوان یک نمونه دیگر

ضد مذهبی، جنبش دادخواهی، جنبش جوانان و جنبش معلمان و بالاخره جنبش کارگری که در سطح گسترده‌ای در دو دهه اخیر به‌خصوص با اعتصابات و با اعتراضات گسترده در واقع در صف مقدم مبارزات بوده. اینها جنبش‌هایی هستند که منصور حکمت آنها را تحلیل می‌کرد، ارزیابی می‌کرد، محدودیت‌ها و ضعف‌هایشان را تلاش می‌کرد که رفع کند و آنها را هر چه منسجم‌تر و متشکل‌تر کند.

در مورد متد که شما سؤال کردید متد منصور حکمت دخالت‌گری فعال در هر جنبشی بود که حق‌خواهانه است که ضد تبعیض است که انسانی است و به همین خاطر حزب کمونیست کارگری، حزبی که منصور حکمت بنیاد گذاشت و رهبرش بود در عرصه‌های مختلفی نهادها و کمیته‌ها و کارزارها و چهره‌های زیادی را در دل این جنبش‌ها به جلو راند. از حقوق کودک بگیرد که اول کودکان و کودکان مقدم‌اند را منصور حکمت پایه گذاشت و پلاتفرم‌ها را نوشت و سازمانش داد تا دفاع از حقوق پناهندگی و تشکیل فدراسیون پناهندگان تا کمیته علیه اعدام و علیه سنگسار که در ادامه فعالیت‌های حزب شکل گرفت و امروز حزب ما در عرصه‌های مختلفی درگیر است و هر جا این جنبش‌های اعتراضی هستند حزب ما هم فعالانه حضور دارد. آنها را سازمان می‌دهد. پلاتفرم و پرچم به آنها می‌دهد و زبان و سخن‌گوشان است. اینها همه نتیجه متد منصور حکمت و نگاهش به جنبش‌های اعتراضی است.

در یک سطح دیگر منصور حکمت به جنبش‌های طبقاتی می‌پردازد و در واقع تئوری جنبشی مبارزه طبقاتی را مطرح می‌کند. او می‌گوید احزاب بلاواسطه به جامعه مربوط نمی‌شوند؛ بلکه در دل جنبش‌های مشخصی شکل می‌گیرند و با جامعه ارتباط برقرار می‌کنند. او مشخصاً سه جنبش را در شرایط سیاسی ایران معرفی می‌کند که تا امروز هم فعالیتشان را مشاهده می‌کنیم: جنبش ناسیونالیسم ایرانی و پرو دولت‌های غربی که سلطنت‌طلب‌ها و جمهوری خواهان بخشی از آن هستند. دوم جنبش ملی اسلامی که دواخره‌ای‌ها و اصلاح‌طلبان حکومتی جزئی از آن هستند و بالاخره جنبش کمونیسم کارگری که منصور حکمت تئوریسین و رهبر و سازمانده آن بود. ما این سه جنبش طبقاتی را داریم و فعل و انفعالات جامعه از طریق دخالت‌گری یا موضع‌گیری یا فعالیت این جنبش‌های طبقاتی صورت می‌گیرد. احزاب زیادی در جنبش ناسیونالیسم پرو دول غربی هستند. جنبش ملی مذهبی هم نیروها و احزاب و چهره‌های خودش را دارد و جنبش کمونیسم کارگری هم همین‌طور. این احزاب با دخالت‌گری در جنبش‌های اجتماعی که آنها را معرفی کردم در واقع سعی می‌کنند تأثیر بگذارند در جامعه و نقش خودشان را ایفا کنند.

با معرفی جنبش‌های اعتراضی و جنبش‌های طبقاتی از هر دو جنبه منصور حکمت گام بزرگی جنبش کارگری و جنبش کمونیستی را به پیش برد. این جنبش‌ها را معرفی کرد به جامعه و نشان داد در نقشه سیاسی ایران این جنبش‌ها کجا قرار گرفته‌اند و هر کدام چه جایگاهی دارند. رابطه اینها با هم چیست و راه نجات جامعه و رهایی جامعه در این میان چگونه تصویر می‌شود و چه مسیری را باید پیمود.

این نظریه که من آن را تئوری جنبشی مبارزه طبقاتی می‌نامم و به نظرم درافزوده‌ای به مارکسیسم است جزو سرمایه‌های سیاسی نظری حزب ما است که بر این مبنا ما در ۲۱ سالی که منصور حکمت را از دست دادیم در عرصه‌های مختلف پیش رفته‌ایم و چراغ‌راهنمایمان همین تئوری‌ها و همین نظرات بوده است.

سیما بهاری: حتماً لازم است که در برنامه‌های مختلفی به هر جنبه‌ای که الان شما اشاره کردید به‌صورت مجزا پرداخته شود. اما اجازه دهید در این بخش از صحبت ما بیشتر متمرکز شویم به نگاه منصور حکمت به جنبش کارگری. ببینیم که این جنبش را چگونه ارزیابی می‌کرد و نگاهش چه بود و چه می‌گفت؟

جنبش علیه اعدام را در نظر بگیرید. منصور حکمت بود که اولین بار اعلام کرد اعدام قتل عمد دولتی است و بر این مبنا فعالیت گسترده و پیگیری در حزب ما شروع شد علیه مجازات اعدام، زمانی که بسیاری از نیروهای اپوزیسیون حتی علیه اعدام نبودند و برخی اعدام نیروهای ضدانقلابی را مجاز می‌دانستند. امروز می‌بینید جامعه اعلام می‌کند که اعدام برای هر جرمی باید ممنوع شود، باید لغو شود. خوب این همان گفته منصور حکمت است که اعدام به هر دلیل و عنوانی مجازاتی ضدانسانی است، قتل عمد دولتی است و باید ممنوع شود.

یا فرض کنید بحث آزادی‌های بی‌قید و شرط که منصور حکمت بر آن پافشاری می‌کرد و اهمیت و ضرورتش را توضیح می‌داد امروز می‌بینیم در بیانیه‌های مختلفی مثلاً در منشور ۲۰ تشکل این خواست اساسی مطرح شده. قبلاً هیچ نیرو و حزب سیاسی آن را اعلام نکرده بود و حتی تا همین امروز هم قید و شرط‌هایی مثل مقدسات مذهبی یا ملی - میهنی و غیره را به‌عنوان محدودیت آزادی‌ها مطرح می‌کنند.

یا فرض کنید در عرصه مبارزه زنان عمیق‌ترین انتقادات را به آپارتاید جنسیتی، به حجاب، به نقش مخرب و ضدانسانی مذهب در بی حقوقی زنان و غیره را منصور حکمت مطرح کرد و پرچمش را بلند کرد.

منصور حکمت همچنین علیه جنبش اسلام سیاسی نه‌تنها در ایران بلکه در منطقه و در جهان ایستاد و ماهیت ضدانسانی و کریه جنبش اسلام سیاسی را به دنیا معرفی کرد. منصور حکمت بود که اعلام کرد یک جنبش ضد مذهبی در ایران زیر پوست جامعه جریان دارد و امروز می‌بینیم این جنبش سربلند کرده و خودش را نشان می‌دهد.

در حال این نمونه‌ها کم نیست. جنبه دیگر نقش منصور حکمت در جنبش کارگری و در جنبش کمونیستی است که خود بحث مفصلی است.

سیما بهاری: بله حتماً به این موضوع هم می‌پردازیم. اما اینجا خوب است در رابطه با متدی که منصور حکمت به جنبش‌های اجتماعی برخورد می‌کرد صحبت کنیم. شما به مواردی اشاره کردید؛ ولی به‌طور کلی می‌خواهیم ببینیم که منصور حکمت نگاهش به جنبش‌های اجتماعی چه بود. ما دیدیم که خیلی وقت‌ها جریانات چپ راجع به جنبش‌ها که حرف می‌زنند فقط طبقه کارگر را در نظر می‌گیرند. جنبش‌های اجتماعی حول مسائلی که به‌عنوان نمونه شما اشاره کردید، مسئله حجاب، مسئله اعدام و غیره و غیره. از نظر برخی از نیروهای چپ جنبش‌هایی حاشیه‌ای به شمار می‌آیند. می‌خواهیم ببینیم که منصور حکمت چه‌طور نگاه می‌کرد به این جنبش‌ها؟

حمید تقوایی: منصور حکمت در دو سطح مقوله پایه‌ای جنبش‌ها را مطرح کرد و آن هم نه فقط از نظر تئوریک بلکه از نظر عملی و از نظر به‌اصطلاح چه باید کرد جواب‌های مشخصی داد که همچنان پرچم راهنمای حزب ما است.

در یک سطح منصور حکمت بر جنبش‌های اعتراضی تأکید داشت و می‌گفت این جنبش‌ها حول تبعیضات، حول بی‌حقوقی‌ها، حول مسائل واقعی مردم و خواست‌های برحق مردم شکل می‌گیرند و از این رو امر ما کمونیست‌ها نیز هست. او تأکید می‌کرد که از طریق این جنبش‌ها است که باید با جامعه مرتبط شد و در برابر نظام و حکومت سرمایه ایستاد. باید فعالانه در آنها شرکت کرد و آنها را تقویت کرد، منسجم کرد، رادیکالیزه کرد، سازمان داد و به پیروزی رساند.

امروز جنبش‌های زیادی در ایران در جریان است. جنبش‌های زن، جنبش

منصور حکمت و انقلاب زن زندگی آزادی از صفحه ۳

حمید تقوائی: تمام فلسفه سیاسی و دیدگاه منصور حکمت عمیقاً این بود که کارگران، طبقه کارگر می‌تواند رهاکننده نه تنها خودش بلکه کل جامعه بشری باشد. رهاکننده از شر همه تبعیضات و نابرابری‌ها و بی‌حقوقی‌هایی که نه فقط در ایران بلکه در جهان بیداد می‌کند.

تا آنجا که به ایران مربوط می‌شود، منصور حکمت حزب کمونیست کارگری ایران را تشکیل داد که امرش سرنگونی جمهوری اسلامی و برپائی نظام سوسیالیستی در ایران بود. در انقلاب علیه جمهوری اسلامی هم منصور حکمت بخش این بود که طبقه کارگر رهبر و نماینده توده عظیم مردم ایران در مبارزه علیه جمهوری اسلامی است. نماینده اکثریتی که بعدها جنبش اشغال در غرب ۹۹ درصدی‌ها نامید. (متأسفانه منصور حکمت دیگر حضور نداشت که این جنبش ۹۹ درصدی‌ها را ببیند). ولی منصور حکمت این نظر را داشت که این ۹۹ درصدی‌ها در واقع همراهان بالقوه طبقه کارگرد و طبقه کارگر می‌تواند کل جامعه را از شر تبعیضات طبقاتی خلاص کند به شرطی که به تئوری، به نظریات، به سیاست‌های انقلابی طبقه خودش، یعنی سوسیالیسم، سوسیالیسمی که مارکس پرچم‌دارش بود، متکی شود و آن را راهنمای خودش قرار بدهد. منصور حکمت وقتی از دخالت در جنبش‌های مختلف علیه تبعیض صحبت می‌کرد هدفش این بود که سیاست‌ها و راه‌حل طبقاتی مسئله معین آن جنبش را در دل جامعه برود و فعالین را به نقد عمیق مارکسیستی از هر تبعیض و بی‌حقوقی مجهز کند.

در مقدمه برنامه دنیای بهتر که یکی از دستاوردهای منصور حکمت است اعلام می‌شود که ریشه همه تبعیضات و نابرابری‌ها و بی‌حقوقی‌ها و فقر و فلاکت گسترده‌ای که در ابعاد مختلف وجود دارد نظام سرمایه‌داری است. ممکن است مسائلی مانند بی‌حقوقی زن و یا سلطه مذهب به قدمت تاریخ باشد؛ ولی امروز اگر این مسائل مطرح است ریشه‌اش سرمایه‌داری عصر ما است. مثلاً اسلام سیاسی دیگر ریشه‌اش قدرت‌های قرون وسطایی و خاندان صفوی و قاجار نیست؛ بلکه سرمایه‌داری قرن بیستم و بیست و یکم است که به مذهب برای حفظ سلطه خودش نیاز دارد. اینها همه از نقطه نظر منصور حکمت نشان‌دهنده این است که طبقه کارگر می‌تواند پرچم رهایی کل جامعه از همه تبعیضات و بی‌حقوقی‌ها را بلند کند و به‌عنوان رهبر کل توده مردم تحت انواع تبعیضات و ستم‌ها در میدان ظاهر شود و جامعه را آزاد کند. محور این کار گرفتن قدرت سیاسی است. منصور حکمت نظرش این بود که با قدرت این توده مردم محروم می‌شود انقلاب را سازمان داد، قدرت سیاسی را از دست طبقه حاکم درآورد و آن به خود مردم سپرد. به حکومت شورایی. یک بحث مهم دیگر منصور حکمت که در این زمان کوتاه فرصت نیست بازش کنیم اهمیت شوراها و نقش شوراها هم به‌عنوان ارگان‌های مبارزاتی و هم به‌عنوان ارکان حکومت آتی بود. منصور حکمت طرف‌دار بسیار پیگیر شوراها و جنبش شورایی بود، آن را تئوریزه کرد و مبنای عمل و مبارزه و فعالیت به‌ویژه در جنبش کارگری قرار داد.

همه اینها به نظر من نشان‌دهنده جایگاه تعیین‌کننده طبقه کارگر در جامعه و برای رهایی جامعه و رسیدن به نظام سوسیالیستی و یک جامعه انسانی، آزاد و برابر است.

سیمای بهاری: سؤال دیگری دارم که باز هم برمی‌گردد به متد منصور حکمت. دوست جوانی را که تازه با سیاست و امورات سیاسی و غیره آشنا شده دعوت کردم که به حزب بیوندد. سخنرانی منصور حکمت تحت عنوان این حزب شماسات را به او معرفی کردم که گوش کند. بعد از دو سه روز تماس گرفت و

گفت که خیلی تحت تأثیر قرار گرفته و خیلی برایش جالب بوده که منصور حکمت این قدر به قلب انسان نزدیک است و احساس می‌کند که تفکر همه آدم‌ها را می‌خواند. متد منصور حکمت در برخورد با پدیده‌ها بسیار برای او جالب بود. این متدی که به قول این دوستان به قلب آدم‌ها نزدیک می‌شود چه ویژگی‌هایی دارد؟

حمید تقوائی: در محور متد منصور حکمت انسان‌دوستی عمیقی قرار دارد. انسان‌دوستی نه فقط به‌عنوان طرف‌داری از آزادی و رهایی و رفاه انسان‌ها بلکه اعتقاد به امیال انسانی و خواست قلبی افراد و اینکه که انسان‌ها خودشان می‌توانند بلند شوند و این دنیای وارونه را عوض کنند. از هر دو جنبه انسان جایگاه اساسی در تفکر منصور حکمت دارد. او بود که اعلام کرد اساس سوسیالیسم انسان است و گفت سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است و خودش بر همین مبنای عمل کرد، بر این مبنای حزب ساخت، و بر این مبنای به تحولات و پدیده‌ها برخورد می‌کرد. قلب منصور حکمت برای انسان‌ها می‌تپید. در همین سخنرانی این حزب شماسات می‌بینید که چطور خواست‌های انسانی، چطور آمال و آرزوهای تاریخی انسان‌ها برای رسیدن به برابری، برای رسیدن به آزادی، برای رسیدن به جامعه‌ای که همه از نعمات زندگی برخوردار باشند و طبقات و تبعیض طبقاتی در کار نباشد، در محور کمونیسمی قرار دارد که منصور حکمت در این سخنرانی تصویر می‌کند. به همین دلیل است که کمونیسم منصور حکمت به دل انسان‌ها راه پیدا می‌کند و به‌اصطلاح به قلب‌ها می‌نشیند. منصور حکمت در همین سخنرانی می‌گوید می‌خواهم از قلب کمونیسم صحبت کنیم. او از مغز کمونیسم با عمیق‌ترین نظرات و بحث‌ها بسیار گفته و نوشته بود؛ ولی در این سخنرانی که اولین سخنرانی علنی‌اش بود، به قول خودش از قلب کمونیسم سخن گفت؛ یعنی از انسان‌دوستی عمیقی که بستر تمامی تئوری‌ها و نظرات کمونیستی و مارکسیستی را تشکیل می‌دهد.

در قلب کمونیسم انسان‌دوستی عمیقی هست. منصور حکمت می‌گوید زیپ پوست هر انسان شریف و منصفی را بکشید یک بلشویک دوآتشه در آن می‌باید. هر انسانی خواهان این است که با بقیه برابر باشد، نوع‌دوستی و انسان‌دوستی افراد باید فرض گرفته می‌شود و این انسان‌دوستی را زیر هویت‌های تصنعی و ساختگی ملی، قومی، مذهبی و غیره مدفون کرده‌اند. منصور حکمت می‌گوید باید این پوسته‌ها را کنار زد و با قلب انسان‌ها ارتباط گرفت.

این محور تفکر و سیاست منصور حکمت است. به قول خودش این قلب کمونیسم است. در سخنرانی این حزب شماسات منصور حکمت با قلبش سخن می‌گوید. در تئوری‌هایش هم این را می‌بینید و در عمیق‌ترین بحث‌ها و تحلیل‌های اقتصادی‌اش در نقد مثلاً سرمایه‌داری جهانی، در صحنه جنگ تروریست‌ها که بعد از قضیه ۱۱ سپتامبر اوج گرفت، در نقد اسلام سیاسی، در نقد سیاست ریاضت‌کشی، و غیره همه‌جا می‌بینید که چطور عمیقاً این انسان‌دوستی در واقع نقطه عزیمت و پایه نظرات منصور حکمت است.

در حال کمونیسم منصور حکمت می‌تواند با هر انسان به قول خودش شریف و منصفی ارتباط برقرار کند و آنها را فرابخواند به مبارزه برای رهایی انسان و پیوستن به جنبش و حزب کمونیست کارگری. من هم در اینجا فراخوانم همین است که به حزب منصور حکمت بیوندد. این حزب است که واقعاً پرچم رهایی انسان را در دست دارد و در تمام فعالیت‌هایش خط و سیاست و افقی که مطرح می‌کند ناظر بر رهایی همه انسان‌های شریف و آزاده‌ای است که خواهان یک دنیای بهتر هستند.

“شورش واگنر” در روسیه، نگرانی حاکمان در ایران!



محسن ابراهیمی

هفته گذشته اتفاقی در روسیه توجه جهانیان را به خود جلب کرد. “شورش” ارتش خصوصی واگنر به فرماندهی یوگنی پریگورین، دوست قدیمی ولادیمیر پوتین.

این اتفاق در ایران حکام اسلامی را آنچنان نگران کرد که بدون فوت وقت برای دلداری دادن به پوتین، برای حمایت از او پای همدیگر را لگد زدند. سؤال این است که چرا یک اتفاق برای پوتین در روسیه، اینچنین سران حکومت اسلامی در ایران را نگران می‌کند؟

“شورش علیه مسکو”

ماجرا از این قرار است که یوگنی پریگورین، فرمانده ارتش خصوصی واگنر که در کنار ارتش روسیه مشغول جنایت در اوکراین بود و اخیراً شهر باخموت را با قتل و جنایت و بی‌رحمی تصرف کرده بود، یکباره نیروهایش را به روسیه برگرداند؛ شهر استراتژیک روستوف در مرز اوکراین را تصرف کرد؛ خواستار برکناری وزیر دفاع و رئیس ستاد مشترک ارتش شد و با ستون نظامی به سمت مسکو حرکت کرد. برخی رسانه‌ها از این اتفاق به‌عنوان “شورش علیه مسکو” یاد کردند.

یوگنی پریگورین، تبهکاری است که بعد از آزادی از زندان، به یمن “فرصت‌های طلایی” که سرمایه‌داری بازار آزاد بعد از فروپاشی بلوک شرق فراهم کرده بود، به‌عنوان مالک و مدیر رستوران‌های مجلل و تهیه‌کننده غذای کرملین توانست آزادانه از “تردبان ترقی” بالا برود و همچون یک اولیگارش میلیاردی وارد حلقه ولادیمیر پوتین بشود. از او به‌عنوان “آشپز پوتین” یاد می‌کردند. اما او از این لقب ناراحت بود و ترجیح می‌داد از او به‌عنوان “قصاب پوتین” یاد کنند.

بهرآسانی هم او به‌عنوان فرمانده ارتش خصوصی واگنر، قصاب پوتین بود. واگنر یک ارتش خصوصی متشکل از ۳۵ هزار مزدور است. هزاران نفر از جنگجویان این ارتش محکومین جنایی زندان‌های روسیه هستند که برای جنایاتشان در کشورهای مختلف مدال هم می‌گیرند. واگنر در جنگ‌های نیابتی از طرف دولت روسیه، برای مثال در سوریه و لیبی و جمهوری آفریقای مرکزی و سودان و جاهای دیگر نقش فعال داشته است. نیروهای واگنر به اعمال بی‌رحمانه‌ترین خشونت‌ها مشهور هستند.

“شورش علیه مسکو” در واقع یک عنوان ژورنالیستی است. در واقعیت اقدام فرمانده واگنر، گوشه‌ای از جنگ قدرت درون مافیای امنیتی - نظامی در دربار پوتین است. واگنر قرار بوده به‌عنوان یک ارتش خصوصی، در کنار ارتش روسیه سیاست‌های تجاوزگرانه پوتین را پیش ببرد بدون اینکه جنایاتش به نام ارتش رسمی روسیه ثبت شود. تلاش وزارت دفاع برای قراردادن واگنر زیر چفت‌وبست فرماندهی ارتش و در مقابل، مقاومت پریگورین برای حفظ نقش خودمختار خودش به‌عنوان فرمانده یک ارتش خصوصی گوشه‌ای از این جنگ قدرت است.

این جنگ قدرت درون مافیای روسیه فعلاً با وساطت لوکاشنکو رئیس‌جمهور بلاروس ظاهراً حل شده است. پریگورین در بلاروس است و قطعاً تعیین تکلیف این نیروی ۳۵ هزارنفره مسلح، اینکه کجا و چگونه از این نیروی آماده جنایت استفاده شود، روی میز کرملین است.

واکنش جمهوری اسلامی

دو روز پس از “شورش علیه مسکو”، سران حکومت اسلامی برای حمایت از پوتین به صف شدند. ابراهیم رئیسی “حمایت کامل” جمهوری اسلامی از پوتین را ابراز و اظهار خوشحالی کرد که این اتفاق توانسته “حاکمیت ملی

روسیه” (یعنی موقعیت پوتین) را به چالش بکشد. حسین امیرعبداللهیان اظهار اطمینان کرد که “کشور روسیه از این مرحله عبور خواهد کرد.” عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس هم اطمینان داد که “شورش گروه واگنر تأثیری بر جایگاه و اعتبار ولادیمیر پوتین نخواهد داشت.” خامنه‌ای هم احتمالاً هنگام دریافت قران نفیس دیگری از پوتین مراتب خدمتگزاری‌اش را ابراز خواهد کرد!

جالب است که در همین شرایط رسانه‌های حکومتی خبر دادند که قرار است احمدرضا رادان فرمانده کل نیروی انتظامی به روسیه سفر کند. با چه هدفی؟ “با هدف رایزنی برای توسعه “همکاری‌های دوجانبه پلیسی”!

همین خبر گوشه‌ای از دلایل نگرانی “شورش علیه مسکو” و اعلام وفاداری‌های چاپلوسانه سران حکومت اسلامی نسبت به پوتین را نشان می‌دهد.

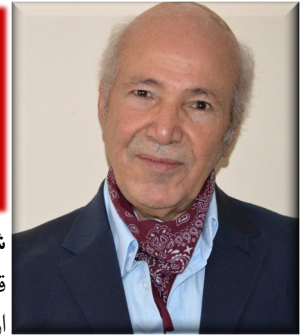
سران جمهوری اسلامی، روی پوتین به‌عنوان بازیگر اصلی در استراتژی میان‌تهی “نگاه به شرق” حساب می‌کنند. او را متحد استراتژیک می‌دانند و تصور می‌کنند او در شرایط انزوای جهانی و تحریم‌ها و ورشکستگی اقتصادی و خطر انقلاب، پشت حکومت اسلامی خواهد ایستاد و خواهد توانست نجاتشان دهد.

حمایت چاپلوسانه آیت‌الله قاتل از پوتین جنایت‌کار در دعوی خانگی مافیای روسیه وجهی از چنین انتظار و محاسبه به‌اصطلاح استراتژیک است. محاسبه یک حکومت نگران از آینده. یک حکومت نگران از انزوای بیشتر در جهان که قرار است پوتین نجاتشان دهد. به این اعتبار، به نظر می‌رسد ابراز اطمینان در باره “حاکمیت ملی روسیه” مربوط به عدم اطمینان از حاکمیت خودشان است. نگرانی از “جایگاه و اعتبار ولادیمیر پوتین” در روسیه، در واقع نگرانی از جایگاه متزلزل خودشان در ایران است و ابراز اطمینان در باره اینکه “کشور روسیه از این مرحله هم عبور خواهد کرد”، چیزی مربوط به اضطراب سیاسی خودشان برای عبور از طوفان انقلاب است. در یک جمله همه این اطمینان‌دادن‌ها یک‌جوری قوت قلب دادن به خود است تا به پوتین.

اگر چه جمهوری اسلامی به پوتین به‌مثابه یک متحد استراتژیک حساب می‌کند، اما پوتین برعکس به جمهوری اسلامی همیشه همچون یک کارت بازی تاکتیکی نگاه کرده است. او از جمهوری اسلامی به‌عنوان کارت بازی در کشمکش با غرب استفاده کرده و خواهد کرد. برای مثال قبلاً دیده‌ایم که چگونه در جریان مذاکرات برجام خلل وارد کرد تا در جریان تهاجم به اوکراین، دستش برای مانور بر سر نیاز اروپا به انرژی بازرتر باشد. یا در سوریه هر موقع لازم دیده، آسمان را برای بمباران نیروهای سپاه پاسداران توسط دولت اسرائیل باز گذاشت.

می‌دانیم که تهاجم نظامی پوتین به اوکراین تحت عنوان “عملیات ویژه” با بن‌بست کامل مواجه شده است. اتفاقاتی مثل شورش واگنر هم که قرار بود با بی‌رحمی و قساوت او را از باتلاق اوکراین نجات دهد، نشان می‌دهد که موقعیت پوتین خیلی هم باثبات نیست. به این اعتبار، حکومت اسلامی در استراتژی “نگاه به شرق” به امامزاده‌های دخیل بسته است که ستون‌های محکمی ندارد. اما مستقل از وضعیت و آینده خود پوتین، آینده جمهوری اسلامی را قطعاً انقلاب زن زندگی آزادی رقم خواهد زد.*

زندانی سیاسی آزاد باید گردد!



توازن قوا و گام‌های پیش رو متن گفتگو با کاظم نیکخواه در برنامه سازمانده در کانال جدید

جریانات مخالف انقلاب خوش می‌آید یا بالاخره از زاویه اینها دارد بیان می‌شود. اینها انتظار داشتند که انقلاب زود تمام شود و پیروزی آسان به دست می‌آید و تازه از پیروزی هم منظورشان این بوده که حکومت را نگه دارند سپاه پاسداران را نگه دارند بسیج را نگه دارند و با یک تحول سطحی انقلاب تمام شود. اینها در انقلاب کاره‌ای نبودند. یک انقلابی شروع شده که زنان و کارگران معلمان و دانشجویان آن را شروع کردند. شعارهایش رادیکال است. چپ است و عمیق است و می‌خواهد جامعه را انسانی کند و اینها ربطی به بی‌بی‌سی و جریانات سلطنت‌طلب و امثالهم که می‌خواهند ارتش و سپاه و بسیج و بوروکراسی و همه چیز را حفظ کنند ندارد. در نتیجه موقعی که انقلاب یک کم افت می‌کند زبانشان دراز می‌شود و شروع می‌کنند فضای یاس و ناامیدی و اینکه کاری نشد بکنیم و این همه تلفات دادیم و قرار بود پیروزی آسان به دست بیاید و نشد اینها را تبلیغ و پمپاژ می‌کنند.

جوابشان این است که اولاً مردم با وعده من و شما به خیابان نیامدند. مردم برای زندگی‌شان برای آزادی برای رفاه برای خلاص شدن از دیکتاتوری و زنان و اعدام به خیابان آمدند. به طور عینی ما مردم مجبوریم علیه جمهوری اسلامی مبارزه کنیم. این طور نیست که گویا یک کسانی وعده‌هایی به مردم دادند و بعد فریب خوردند. نه مردم بیرون آمدند دارند می‌جنگند و همچنان بیرون‌اند و دارند سنگر به سنگر جلو می‌روند.

من فکر می‌کنم که ما از سال ۸۸ تا حالا مدام جلو آمده‌ایم. خیزشی که سال ۸۸ صورت گرفت یک بخش آن حکومتی‌ها و جناح موسوی و اینها بودند. ولی در اساس مردمی بودند که می‌خواستند از شر جمهوری اسلامی خلاص شوند و یک سنگرهایی را فتح کردند اصلاح‌طلبان را کنار زدند

فضا را عوض کردند و بعد آمدیم به سال نود و شش، نود و هفت، نود و هشت، هزار و چهارصد، و چهارصد و یک و دو. اینکه حکومت هنوز سرنگون نشده به این معنا نیست که اتفاقی نیفتاده. ما بسیار جلو آمده‌ایم. به جایی رسیده‌ایم که از درون خود حکومت این صدا بلند شد که جمهوری اسلامی از نظر محتوایی سرنگون شده است. حجاب کنار رفته، درون حکومت به‌هم‌ریخته، سرانش می‌نشینند مقابل خامنه‌ای با هم دعوا می‌کنند و می‌گویند اوضاع از دستمان خارج شد و هزار مشکل و معضل پیدا کرده‌اند و رسیده‌ایم به اینجا که الان هستیم. این تبیین را باید به جامعه داد که جامعه جلو آمده. هزینه‌های زیادی داده‌ایم؛ اما این هزینه‌ها هدر نرفته است. نسبت به سال ۸۸ انقلاب ما بسیار بسیار عمیق‌تر رادیکال‌تر و انسانی‌تر و شفاف‌تر شده. پالایش پیدا کرده و دستاوردهای زیادی داشته‌ایم و درعین حال انقلاب ادامه دارد. تحولات ادامه دارد. این جور نیست که تا یک‌دوره افت کرد فکر کنیم مردم رفتند خانه‌هایشان و تمام شد و آنچه که می‌خواستیم نشد. این طور نیست. این کاری است که جمهوری اسلامی می‌کند و بی‌بی‌سی و رسانه‌های مشابهش هم در باد آن همین بحث‌ها را به خورد جامعه می‌دهند. به‌رحال برای اینکه صحبت‌م زیاد طولانی نشود اینجا تمام می‌کنیم و تأکید می‌کنم که ما تبیین درست و دقیق و عمیق

شاهلا دانشگور: موضوع برنامه امروزمان "توازن قوا و گام‌های پیش رو" است. موضوع برنامه از نکته و سؤالی گرفته شده که از دوست عزیز به دست ما رسیده است. از او تشکر می‌کنم. اجازه بدهید که بحث و سؤال این دوستان را بخوانم و بعد سراغ توضیحات برویم. نوشته‌اند: اوضاع خیلی پیچیده است. از یک طرف مردم کوتاه نمی‌آیند برای مثال مقاومت در برابر حجاب اجباری ستایش‌کردنی است. به دنبال مقاومت دانشجویان هنر در برابر حجاب اجباری مردم از آنها حمایت می‌کنند. برای مثال زنان گروهی بدون حجاب به خیابان می‌روند و این کار به شکلی از اکت اعتراضی خیابانی در برابر حکومت تبدیل شده است. کسی از حکومت جرئت ندارد به زنان بی‌حجاب حرفی بزند. هرکس دوروبر باشد روی سرشان می‌ریزند. فقط حجاب نیست. شلوار کوتاه و لباس تابستانی و تابستان سخت و غیره. از طرف دیگر زادروزهای جان‌باختگان انقلاب به کانون‌های آتشین انقلاب مردم دادخواه تبدیل شده است. پرستاران اعتراضات بسیاری داشته‌اند و همین‌طور دیگر بخش‌ها. بازنشستگان که دیگر فقط یکشنبه‌ها و دوشنبه‌های اعتراض نیست و مرتباً به خیابان می‌آیند و صدای اعتراض مردم علیه فقر و گرانی هستند. شعار می‌دهند و صدای اعتراضشان را بلند می‌کنند. راهپیمایی می‌کنند و

مردم خودشان را با این اعتراضات همراه می‌دانند. مثال‌ها فراوان است روحیه مردم بالاست. علی‌رغم سرکوب‌ها مردم آتشین در می‌دانند. اما سؤال همه این است که ادامه راه چه باید باشد؟

این اولین سؤالی است که این دوست عزیز مطرح کرده‌اند و سؤالات دیگری هم هست که به آن می‌رسیم. شما صحبتتان با این دوست عزیز چیست؟



کاظم نیکخواه: اولاً درود می‌گویم به این دوست عزیزمان و دوستانی که این بحث‌ها را دنبال می‌کنند و با حزب فعالیت می‌کنند. اینکه گام‌های بعدی چه باید باشد بحث مفصلی می‌طلبد؛ یعنی کارهای زیادی در ادامه این اوضاع باید انجام داد و گام‌های زیادی باید در این توازن قوایی که جنبه‌های مهمی را این دوستان تأکید کردند باید برداشت. ولی شاید بشود گفت اساسی‌ترین و فوری‌ترین کاری که باید کرد و ما باید بکنیم این است که تبیین و توضیح درست و واقعی اوضاع را جلوی چشم جامعه بگذاریم. به جامعه، به مردم، به کارگران، به بازنشستگان به دانشجویان و به زنان و مردم بگوییم که الان تا کجا آمده‌ایم و چه دست‌آوردهایی داشته‌ایم و توازن قوا چیست. همین روزها تفسیری را از بی‌بی‌سی می‌خواندم که یکی از رسانه‌هایی است که تبیین‌های راست را به جامعه می‌دهد. عنوان مقاله‌اش اگر اشتباه نکنم چیزی شبیه این بود "وعده پیروزی آسان و دست‌نیافتنی" و خلاصه بحثش این بود که وعده‌هایی به مردم داده شد که پیروزی آسان به دست می‌آید و خیلی‌ها برای این پیروزی جنگیدند و کشته شدند و پیروزی به دست نیامد و همین باعث استیصال و ناامیدی و اینها در میان مردم شده است. این یک نوع تبیین اوضاع است. ولی تبیینی که به مذاق جمهوری اسلامی خوش می‌آید. تفسیری که در واقع به

توازن قوا و گام‌های پیش رو از صفحه ۶

خودمان را باید به جامعه بدهیم و اجازه ندهیم که مردم را مایوس کنند و فضای دیگری را به اوضاع تحمیل کنند.

شهلا دانشفر: شما به نکته مهمی اشاره کردید. تبیین درست نتیجه‌اش این است که مردم قدرت خودشان را ببینند. مردم ضعف و استیصال حکومت را ببینند. سند پشت سند، سندهای محرمانه حکومت رو می‌شود که می‌بینید که آنجا که فرماندهانش در برابر خامنه‌ای می‌نشینند، آنجا که در مورد اعتصابات نفت صحبت می‌کنند و از اینکه هزاران کارگر دست به اعتصاب زده‌اند و سیاست‌هایی که شکست خورده است را در رسانه‌هایشان اعلام می‌کنند. آنجا که سند محرمانه‌شان از کنار گذاشتن معلمان معترض از طرح رتبه‌بندی افشا می‌شود و فضایی که شکل می‌گیرد. وقتی نگاه می‌کنی می‌بینی که در این حکومت الان سنگ روی سنگ بنا نیست. تبیین درست یعنی همین. یعنی اینکه مردم ببینند کجا ایستاده‌اند و چه دستاوردهایی داشته‌اند و حکومت در چه موقعیتی است و قدرت خود را ببینند و گام بعدی را بردارند. همانطور که دوستان می‌گویند مردم به شدت بارو حیه‌اند به شدت عزمشان را جزم کرده‌اند که این اوضاع را پایان بدهند. می‌گویند

گام بعدی چیست. چه کار کنیم که جلوتر برویم؟ سؤال این دوستان این است و این آن چیزی است که در هر اعتراضی به طور میدانی و عملی ما می‌بینیم که مردم دارند ادامه انقلاب را فریاد می‌زنند. خب بی‌بی‌سی تکلیفش روشن است. اینها جریانات و رسانه‌هایی هستند که به‌زور از اعتصاب کارگر حرف می‌زدند. وقتی انقلاب شد با تردید و به‌زور از انقلاب سخن گفتند. وقتی دیگر ابعاد انقلاب گسترده شد و فوران پیدا کرد تازه کلمه انقلاب را مطرح کردند و بعد داستان و طرح‌های

یکی بعد از دیگری برای رهبر تراشی و وکالت و انواع اینها که همه شکست خورد و رفت عقب و این یعنی پیشروی انقلاب. همه اینها را مردم در مبارزاتشان جارو کردند. الان همانطور که گفتید که شکل اعتراض عوض شده و خیابان به درجه‌ای ساکت شده؛ اما در اشکال دیگری مبارزات را می‌بینیم. دانشگاه‌ها را می‌بینیم چطور مردم و دانشجویان علیه حجاب اجباری مبارزه می‌کنند. زادروزها را می‌بینیم و همان مثال‌هایی که دوست ما زدند. خب. این یک گام مهم است که این ناباوری و تردید پراکنی‌ها را خشی کنیم. این تفرقه‌ها را کنار بزنیم. صفمان را متحد کنیم و قدرتمان را ببینیم و با امید به آینده نگاه کنیم و به جلو گام برداریم. این بسیار بسیار مهم است.

کاظم نیکخواه: اجازه بدهید نکته‌ای را همین‌جا در ادامه صحبت شما بگویم. نکته‌ای که گفتید باید مردم با امید جلو بروند مهم است. بعلاوه مردم باید آینده را از موضع چپ و رادیکال و واقعی‌اش ببینند. یعنی موقعی که نگاه می‌کنیم می‌بینیم که یک تحولات جدی‌ای صورت گرفته است. ذهنیت جامعه عوض شده و جلوآمده است. در روند اوضاع همانطور که شما اشاره کردید، مردم ورژن‌ها و یا تقاسیر و تبیین‌های راست را که می‌خواست انقلاب را محدود و سرودم بریده بکند را کنار زدند و به جایی رسیده‌ایم که مردم می‌خواهند یک جامعه انسانی مرفه و برابر و امن را عملی کنند. شعار اعتراضات کارگران و

بازنشستگان مدت‌هاست این است "منزلت معیشت حق مسلم ماست". جنبش علیه اعدام، جنبش برای آزادی زندانیان سیاسی، و جنبش دادخواهی و اینها شده جنبش کل جامعه و سیمای جامعه را شکل داده است و اینها دستاوردهای بسیار مهم و دستاورد عظیمی است. تلقیات جامعه کلاً عوض شده و رشد کرده و تحولات عظیمی پیدا کرده است.

شهلا دانشفر: دقیقاً این انقلابی است ضد مذهب ضد ارتجاع ضد خفقان ضد استبداد، انسانی، با شعار زن زندگی آزادی، با خواست‌های برابری طلبانه، با منشور بیست شکل. همه اینها نشان می‌دهد که انقلاب چگونه جلو می‌رود و به کدام جهت پیش می‌رود و هر روز دارد سازمان‌یافته‌تر و متشکل‌تر. در تمام زمینه‌های مبارزه پیش می‌رود. شما سازمان‌یابی را می‌بینید که چگونه می‌درخشد. به‌هرحال سؤال بعدی دوستان این است که باتوجه به این توازن قوای معین چه کاری می‌شود کرد که قدمی انقلاب را جلو برد؟ شما نکته اول را توضیح دادید و گفتید که باید تبیین درست را به جامعه داد. حال باتوجه به این شرایط باتوجه به این توازن قوا و شرایط شما چه قدم‌های دیگری را مهم می‌دانید برای پیشروی انقلاب؟

کاظم نیکخواه: از زوایای مختلفی می‌شود به این سؤال فکر کرد و جواب داد. به اوضاع که نگاه می‌کنیم به جنبش‌ها و خیزش‌هایی که جریان داشت و می‌رسیم به الان می‌بینیم که الان به طور مشخص دانشگاه‌ها کانون جنگ و جدال بر سر حجاب است. جمهوری اسلامی می‌خواهد حجاب اسلامی و اجباری را به دانشگاه‌ها و در واقع به کل جامعه تحمیل کند. چون که جنگ در دانشگاه‌ها جنگ علیه جامعه است. در نتیجه پیروزی در این جدال برای پیشروی بسیار مهم و حیاتی است. این یک نقطه مهم است. دامن‌زدن به فضای همبستگی و اتحاد و پشتیبانی از جدال‌هایی که از جانب بخش‌های مختلف مردم از جمله دانشجویان دارد صورت می‌گیرد بسیار حیاتی و مهم

است. یعنی الان در دانشگاه جنگ و جدال بر سر حجاب است. ما باید در رسانه‌ها در فضای عمومی و در سطح جامعه این را دامن‌بزنیم و تبلیغ کنیم و دنبال کنیم که مردم به اشکال مختلف به پشتیبانی از دانشجویان دانشگاه هنر و دانشگاه‌های دیگر بلند شوند. متوجه شوند که این جنگی که حکومت اسلامی در دانشگاه‌ها به جریان انداخته در واقع جنگی علیه کل جامعه است و این را با همان نمونه‌هایی که این دوستان گفتند که زنان دسته‌جمعی بدون حجاب بیرون می‌آیند می‌شود دید. ولی اینکه کارگران، معلمان، بازنشسته‌ها بیانه بدهند و از دانشجویان اعلام پشتیبانی کنند مهم است. نمونه‌هایی را فی‌الحال داشته‌ایم. مثلاً کانون نویسندگان و بخشی از بازنشستگان بیانه دادند و از دانشجویان حمایت کردند. این یک گام مهمی بود. اگر بخوایم به‌طور کلی بگویم نظرم این است که ما باید همبستگی و اتحاد سراسری‌مان را حفاظت کنیم حراست کنیم تبلیغ کنیم و اتحادمان را مستحکم‌تر کنیم. بخش‌های مختلف مردم را به هم پیوند بدهیم. کارگر بازنشسته دانشجویان و دانش‌آموزان و زنان هر چه محکم‌تر باید در کنار هم قرار بگیرند. در واقع در این انقلاب کنار هم قرار گرفته‌اند. در این انقلاب این همبستگی را بسیار سراسری در کشور شاهد بودیم. ولی در هر گام در هر خیزش و در هر نبردی باید تلاش کنیم که این همبستگی و اتحاد را تقویت کنیم و مستحکم‌تر کنیم. در جنگی که

الان بر سر حجاب جریان دارد باید این

توازن قوا و گام‌های پیش رو از صفحه ۷

همبستگی‌ها را جامعه ببیند. در جنگی که در اعتصابات نفت جریان دارد باید شاهد این همبستگی‌ها و حمایت‌ها باشیم. یا علیه اعدام خانواده‌های دادخواه بیرون می‌آیند باید شاهد حمایت و همبستگی گسترده از آنها باشیم. همین روزها در رابطه با حکم اعدام همین مصطفایی در سندج شاهد بودیم که خانواده‌ها وسیعاً بیرون آمدند و جلوی زندان تجمع کردند. این نوع حرکات و اعتراضات را باید کاری کنیم که سراسری جواب بگیرد و مورد پشتیبانی قرار گیرد و این همبستگی سراسری یک گام کلیدی است که همانطور که گفتیم در جامعه عمیقاً وجود دارد ریشه دارد. اما باید در هر نبردی آن را جلو آورد و تقویت کرد.

شهلا دانشفر: بله همانطور که اشاره شد منشور بیست تشکل در واقع پرچم همین نوع اتحاد بود که شما دارید اشاره می‌کنید و این در عرصه‌های مختلف معنای مشخص خودش را دارد. از جمله می‌بینید که منشور خواست‌های پیشرو زنان منتشر می‌شود. در بخش‌های مختلف ما شاهد این هستیم.

بر می‌گردیم به همان نکته اولی که شما تأکید کردید. تبیین ما از انقلاب و دستاوردهایمان و این دستاوردها را با اتحاد مبارزاتی مان ارج بگذاریم و حفظ کنیم. از جمله کنارزدن حجاب یک سنگر فتح شده مردم در این انقلاب است و در نتیجه اعتراض و مقابله با حجاب اعتراض همه مردم است. کارگر معلم بازنشسته دانشجو و اتحاد مبارزاتی بر سر این. یا زندان و اعدام ابزار دست حکومت است برای عقب زدن انقلاب و به همین دلیل اتحاد مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی و علیه اعدام‌ها عرصه نبرد همه جامعه است و مردم به گوش باشند و هر جا که لازم است فوراً خودشان را برسانند. با بیانیه‌های جمعی با اکت‌های جمعی با فراخوان‌ها به هر شکلی. همین‌طور فقر و گرانی و تعرضاتی که به معیشت مردم می‌شود برنامه موسوم به توسعه هفتم مصوبه مزدی شورای عالی کار همه اینها موضوعات اعتراض کل جامعه است.

خب برویم سراغ بخش دیگری از سؤال این دوست عزیزمان. در واقع به یک نوعی صحبت شد؛ اما بهتر است یک کم فوکوس تر در مورد آن صحبت کنیم. می‌پرسند صحنه‌های اصلی یا فوکوس‌های اصلی نبرد چیست. کدام‌ها هستند؟ شما چه توضیحی در این رابطه دارید؟

کاظم نیکخواه: نمی‌دانم صفت "اصلی" در مورد آن چیزی که من می‌خواهم بگویم درست باشد یا نه. اما یک مسئله مهم این است که این روزها جمهوری اسلامی دارد بحث ایجاد "محلات اسلامی" و "مسجدمحور" و اینها را مطرح می‌کند. این هم در واقع به بحث قبلی ما مربوط است که سازمان بدهیم برای تعرضی که جمهوری اسلامی می‌خواهد به محلات بکند. یعنی سازماندهی در محلات را دنبال کنیم و تقویت کنیم. یکی از نقطه قوت‌های انقلاب زن زندگی آزادی این بود که محلات در کنترل مردم و جوانان بود. الان جمهوری اسلامی می‌خواهد این را پس بگیرد. یک‌مشت آخوند و طلبه و مزدور و حزب‌اللهی را دارند گسیل می‌کنند به محلات مختلف که از نظر خودشان محلات را به تسخیر در بیاورند. اینها از همین‌ان روحیه باخته و دچار تشنگی هستند و وضعیت درب و داغانی دارند. این نیروهای جمهوری اسلامی را باید به‌عنوان نشانه، به‌عنوان هدف بعدی تعرض به حکومت مدنظر

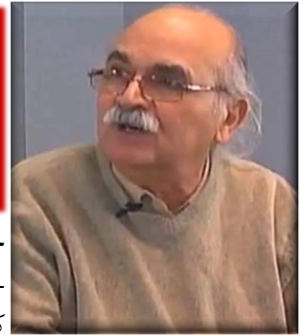
داشته باشیم. یعنی اینها را باید شناسایی کرد همه بدانند که کجاها هستند کی‌ها هستند و هرکدام چه مسئولیتی دارند و در خیزش‌های بعدی سراغ اینها برویم و جمعشان کنیم و بساطشان را به هم بریزیم و غیره. کلاً گسترش سازماندهی در محلات یک جنبه مهم کار است که باید به آن توجه کرد. بعلاوه تدارک اعتصابات کارگران و معلمان و کارکنان و کسبه در دور بعدی خیزش‌ها هم بسیار مهم است و باید تبلیغ و فوکوس کرد که در اولین خیزش‌ها شاهد این باشیم که در کنار خیزش‌های شهری شاهد اعتصابات کارگران و معلمان و کارکنان و پرستاران و تجمعات آنها باشیم. این را هم به درجه‌ای در خیزش‌های قبلی شاهد بودیم؛ ولی در دور بعدی می‌شود تصور کرد که این بخش‌ها با شعارهای سیاسی جلو بیایند. فکر می‌کنم توازن قوای فعلی این امکان را می‌دهد؛ ولی به‌رحال اعتصابات وقتی که هم‌زمان با خیزش‌ها صورت بگیرد معنا و وزن و جایگاه سیاسی دارد و این هم یکی از سنگرهای است که باید بگیریم و روی آن باید متمرکز شویم. من الان فی‌البداهه این‌ها را گفتیم حتماً نکات دیگری هم هست که شما می‌توانید بگویید.

شهلا دانشفر: شما به نکات مهمی اشاره کردید. در همان نشست که فرماندهان سپاه با خامنه‌ای داشتند از وجود ۱۵ هزار نهاد مردمی در محلات صحبت کردند. این نهادها وجود دارند باید آنها را گسترش داد و تقویت کرد. باید آنجایی که وجود ندارند آنها را شکل داد و تمام محلات را به تصرف خودمان در بیاوریم و ناامن کنیم برای این نیروهای مزدور حکومت. خب یک دقیقه آخر برنامه است در خاتمه در رابطه عزیزانی که با ما در ارتباط هستند فعالیت خودشان را با ما تعریف می‌کنند یا علاقه‌مندند به کانال جدید. شما در این یک دقیقه آخر صحبتتان با این دوستان عزیز چیست؟

کاظم نیکخواه: نکات زیادی را می‌شود گفت یکی از کارهایی که این دوستان باید بکنند این است که با ما ارتباطشان را ادامه بدهند و به این رابطه اهمیت بدهند و جمع‌هایشان را گسترش بدهند و آمادگی داشته باشیم برای تحول عمیقی که در راه است. این انقلاب فقط به مفهوم سرنگونی جمهوری اسلامی به‌عنوان یک حکومت نیست. بلکه به معنای جاروکردن کل سیستم، نظام، مناسبات مذهب و قوانینی است که این حکومت نمایندگی کرده و روی آن سوار بوده است و پایه‌ریزی یک جامعه برابر و آزاد را دنبال می‌کند. این فضا را ما باید دنبال کنیم. من و شما. ما باید تقویت کنیم. ما باید توضیح دهیم. مردم دارند یک کارهای مهمی می‌کنند؛ اما ممکن است وسط جنگل درخت‌ها را نبینند. ما باید نشان بدهیم و توضیح دهیم که این انقلاب چیست. بر سر چیست و این تبیین را به جامعه و به اطراف خودمان بدهیم و به‌ویژه به رهبران جنبش‌های اجتماعی. جنبش کارگری، معلمان، زنان دانشجویان بدانند که کجا داریم می‌رویم. یک انقلاب ساده نیست. انقلاب عمیقی است انقلاب بسیار شکوه‌مندی است. یک انقلاب بسیار شاد و مدردن است که می‌تواند سیمای جامعه را از اساس کلاً عوض کند و انسانی کند و من فکر می‌کنم عوض خواهد کرد. من بسیار خوش بینیم به آینده این جامعه و این انقلاب و فکر می‌کنم بر خلاف تبلیغاتی که می‌شود که گویا معلوم نیست چه خواهد شد و اینها. این جامعه از شمال تا جنوب و شرق و غرب همبسته و متحد است. این خوش‌بینی واقعی است. این خوش‌بینی زمینه واقعی دارد. علمی است دارد خود را با فاکت‌های بسیار در جامعه نشان می‌دهد. همین را باید به جامعه داد که امیدوار و با عزم و اراده محکم‌تری جلو برویم.

شهلا دانشفر: متشکرم که در این برنامه شرکت کردید.

نگاهی به درگیری مسلحانه در اردوگاه حزب کومله کردستان تدوین شده بر مبنای مصاحبه حمید تقوایی با کانال جدید



دیگر این حرکت و پروژه کاملاً شکست خورده است. امروز نیروهای آن منشور و آن نشست به جان همدیگر افتاده‌اند و این هم اختلافات و نارضایتی‌هایی در صفوف این سازمان به وجود آورد که بالاخره به اینجا منجر شد.

این را هم بگویم که در این واقعه، این طور که از شواهد پیداست و از مصاحبه‌ها و اظهارنظرهای خود رهبران این سازمان بر می‌آید، عبدالله مهتدی و عمر ایلخانی‌زاده که رهبر این دو گروه بودند و بعد از به هم پیوستن عمر به‌عنوان معاون دبیرکل یعنی معاون عبدالله مهتدی منصوب شد، در این رویداد کنار هم هستند. من نقدی از عمر ایلخانی‌زاده نسبت به سیاست ائتلاف با سلطنت‌طلب‌ها نشنیدم؛ ولی در بدنه سازمان ظاهراً این طور نبوده و عده‌ای از نیروهای سازمان زحمت‌کشان مخالف این سیاست بوده‌اند؛ بنابراین نمی‌شود گفت که دو جناح زحمت‌کشان و حزب مهتدی درگیر شده‌اند. به نظر این طور می‌رسد و از صحبت یک عضو برجسته سازمان زحمت‌کشان، یعنی رضا کعبی که من مصاحبه ایشان را شنیدم، این طور بر می‌آید که اولاً این اتحادی که شکل گرفته است قرار بوده به اطلاع همه برسد و در کمیته مرکزی و در پلنوم این سازمان مطرح و تصویب بشود و چنین نشده است و ثانیاً مسئله مورد اختلاف دیگر شرکت عبدالله

مهتدی در ائتلاف جورج تاون است که رضا کعبی می‌گوید در این مورد هم بحث و هم‌نظری صورت نگرفت و عبدالله مهتدی جایی اعلام کرد شخصاً در این ائتلاف شرکت می‌کند و جایی به‌عنوان دبیرکل حزب صحبت کرد و غیره. این هم یکی از موارد نارضایتی بوده است.

همانطور که اشاره کردم بخصوص بعد از ورشکستگی پروژه جورج تاون ظاهراً این نارضایتی‌ها بالا می‌گیرد و این درگیری مسلحانه بین پیش‌مرگان معترض به این سیاست‌ها و موافقین این سیاست‌ها بوده است که عمر و عبدالله هر دو به این گروه دوم متعلق هستند.

خلیل کیوان: اگر اختلاف بین موافقین و مخالفین سیاست‌های اخیر بوده نقش رهبری این سازمان‌ها در این ماجرا چه بوده است؟

حمید تقوایی: از نظر سیاسی که روشن است سیاست‌های رهبری این سازمان هست که الان وضع را به اینجا رسانده. از جمله همین سیاست ائتلاف با نیروهای سلطنت‌طلب و یا روند غیردموکراتیک به هم پیوستن این نیروها که توضیح دادم. واضح است که از این لحاظ نقش سیاسی رهبری کاملاً تعیین‌کننده است.

ولی نفس این درگیری هم این طور به نظر نمی‌رسد که به شکل خودبه‌خودی و از پائین شکل گرفته باشد. مثلاً

بحث و جدل بین پیش‌مرگان تند شده و به

خلیل کیوان: هفته قبل بین پیش‌مرگان دو جناح حزب کومله کردستان در اقلیم کردستان عراق درگیری مسلحانه رخ داد که متأسفانه دو کشته و یک مجروح به جا گذاشت. این اولین بار نیست که در اختلافات درونی این سازمان از اسلحه استفاده می‌شود. پیش‌تر هم اتفاقات مشابهی در جریان انشعاب این سازمان رخ داده بود. در سال ۲۰۰۷ دو طرف به رهبری عمر ایلخانی‌زاده و عبدالله مهتدی به کنک‌کاری متوسل شدند و روی هم اسلحه کشیدند که دخالت اتحادیه میهنی مانع خونریزی در این سازمان شد.

پیش‌تر از این هم در رابطه با اختلافاتی که با کومله، سازمان کردستان حزب کمونیست ایران، داشتند، در جریان جدایی به اسلحه و قلدری متوسل شده بودند. در این برنامه می‌پردازیم به دلایل و زمینه‌های این رخدادها.

حمید تقوایی درگیری نظامی ظاهراً بین نیروهای پیش‌مرگ یک سازمان، حزب کومله، رخ داده. حدود هفت ماه پیش سازمان کومله زحمت‌کشان که قبلاً از حزب کومله جدا شده بود دوباره به این حزب پیوست و درگیری اخیر بین پیش‌مرگان این دودسته بوده. چه اختلافاتی زمینه‌ساز این درگیری بوده است؟ آیا درگیری ناشی از اختلافات قدیمی بین این دو گروه است و یا اوضاع فعلی و معادلات پس از انقلاب مهسا زمینه‌ساز این رویداد بوده؟

حمید تقوایی: همانطور که گفتید این نوع درگیری‌ها متأسفانه اولین بار نیست که در میان نیروهای این سازمان رخ می‌دهد؛ ولی این بار شرایط و زمینه‌ها و دلایل سیاسی متفاوت است. از نظر سنت و از نظر دست‌بردن به اسلحه در اختلافات داخلی این متأسفانه یک شیوه و روند در این سازمان است که بعداً می‌توانیم بیشتر در موردش صحبت کنیم؛ ولی اینکه چطور این روند امروز به این شکل خودش را نشان داد و چنین درگیری پیش آمد، این دیگر کاملاً به شرایط سیاسی امروز مربوط می‌شود.

در بررسی زمینه این درگیری دو نکته قابل توجه است. اول اینکه این دو جناح درگیر که همانطور که اشاره کردید قبلاً از هم جدا شده و به دو سازمان با دو اسم تبدیل شده بودند، اخیراً دوباره به هم پیوستند و این پروسه وحدت مجدد ظاهراً مورد پذیرش همه اعضای سازمان زحمت‌کشان نبوده است. امروز بخشی از رهبری جناح زحمت‌کشان در توضیح این اتفاق دارند از نارضایتی از روند اتحاد مجدد صحبت می‌کنند.

در بررسی زمینه این درگیری دو نکته قابل توجه است. اول اینکه این دو جناح درگیر که همانطور که اشاره کردید قبلاً از هم جدا شده و به دو سازمان با دو اسم تبدیل شده بودند، اخیراً دوباره به هم پیوستند و این پروسه وحدت مجدد ظاهراً مورد پذیرش همه اعضای سازمان زحمت‌کشان نبوده است. امروز بخشی از رهبری جناح زحمت‌کشان در توضیح این اتفاق دارند از نارضایتی از روند اتحاد مجدد صحبت می‌کنند.

نکته دوم و جنبه مهم‌تر این است که در دل این انقلاب زن زندگی آزادی عبدالله مهتدی که دبیرکل این حزب دوباره متحد شده هست، در کنار سلطنت‌طلب‌ها، کنار رضا پهلوی و نیروهای دیگر در یک ائتلاف شرکت کرد که نشست جورج تاون شروعش بود و منشوری را با اینها امضا کرد که الان



نگاهی به درگیری مسلحانه در اردوگاه حزب کومله کردستان

از صفحه ۹

پوسته‌ای هم از این سیاست‌های چپ برایش نمانده است و سیاست‌های راست ناسیونالیستی‌اش حتی گوی سبقت را از حزب دموکرات هم ربوده. حزب عبدالله همان سازمانی است که اعلام کرد کودکان در کردستان در مدرسه فارسی صحبت نکنند و امثال این سیاست‌ها را زیاد دیده‌ایم. سیاست‌هایی تماماً متکی بر قومی‌گری و به قول خود کردها "کردایتی". سنت‌های ناسیونالیستی کاملاً در این حزب موج می‌زند. خوب ساده نیست شما حزبی که از چپ شروع کرده را ببرید به متهی‌الیه راست. اختلاف و اصطکاک پیش می‌آید، درگیری پیش می‌آید و چون سنت مبارزه مسلحانه در اینها قوی است و در واقع یک نوع کیش اسلحه وجود دارد وقتی ناتوان می‌مانند از به‌خط‌کردن، قانع‌کردن و هدایت‌کردن صفوفشان به اسلحه دست می‌برند.

خلیل کیوان: کمی به جایگاه اسلحه و نیروی پیش‌مرگ بپردازیم. می‌دانید که احزاب مسلح و نیروی پیش‌مرگ یک سنت قدیمی در کردستان است. در سال‌های اخیر اما می‌بینیم احزابی در اقلیم کردستان عراق اردوگاه دارند که فعالیت مسلحانه چندانی ندارند. آیا می‌شود گفت که دوره مبارزه مسلحانه و اردوگاه داری به سر رسیده؟ و احزاب اپوزیسیون در کردستان بهتر است تماماً به مبارزه مدنی و سیاسی علیه جمهوری اسلامی روی بیاورند؟

حمید تقوائی: اجازه بدهید اول

در مورد سنت مبارزه مسلحانه صحبت کنم. در هر چهارپارچه کردستان در مبارزه علیه دولت مرکزی و برای رفع تبعیض ملی دست به اسلحه بردن یک سنت قدیمی است. یک شیوه جلافتاده‌ای است علیه زورگویی‌های دولت مرکزی و لشکرکشی‌های دولت مرکزی. همه احزاب در کردستان یک شاخه مسلح دارند. ولی این امر به معنی این نیست که در این منطقه یک جنبش واحد با یک شیوه مبارزه مسلحانه داریم. در کردستان هم مثل هر جامعه‌ای



چپ و راست وجود دارد. هم نیروهای اپوزیسیون راست و ناسیونالیست و هم نیروهای چپ مبارزه مسلحانه را به‌عنوان یک شیوه به کار می‌برند و هنوز هم اردوگاه دارند و نیروی مسلح دارند. ولی مبارزه مسلحانه برای چپ و راست کاملاً دو معنی مختلف و دو جایگاه مختلف دارد. اگر بخواهم از جانب حزب کمونیست ایران قبل از جدائی کمونیسم کارگری، و از دید کومله به‌عنوان سازمان کردستان آن حزب صحبت کنم، باید بگویم که مبارزه مسلحانه تنها یکی از شیوه‌های مبارزه ما کمونیست‌ها علیه جمهوری اسلامی است و آن هم نه شیوه اصلی. ما همیشه تأکید می‌کردیم که نیروی پیش‌مرگ شاخه نظامی تشکیلات کردستان حزب، یعنی بازوی مسلح حزبی است که برای سوسیالیسم مبارزه می‌کند و اتکا و محور مبارزه‌اش جنبش کارگری، جنبش‌های حق‌خواهانه و ضد تبعیض و جنبش‌های مدنی و سیاسی در شهرها است. در این مدتی که از تشکیل حزب کمونیست کارگری می‌گذرد، مبارزه کارگری، جنبش‌های شهری، مبارزه مدنی - اجتماعی - سیاسی در شهرهای کردستان بسیار فراگیرتر و برجسته‌تر شده است و لذا امروز این مبارزات جایگاه به‌مراتب مهم‌تر و تعیین‌کننده‌تری در جنبش کمونیستی در کردستان یافته‌اند. امروز مبارزات شهری محور و اساس فعالیت حزب ما در کردستان را تشکیل می‌دهد.

روی هم اسلحه کشیده‌اند. این درگیری به نظر می‌رسد نقشه‌مند بوده. رضا کعبی هم در مصاحبه‌اش می‌گوید این درگیری با اطلاع رهبری صورت گرفته. از این نظر هم رهبری نقش مستقیم داشته است. اینکه در این درگیری کدام طرف به کدام طرف حمله کرده و تیر اول را کی شلیک کرده هنوز این مورد بحث است. مثلاً جناحی که کشته داده می‌گوید به آنها حمله شده و آنها فقط از خودشان دفاع کرده‌اند. می‌گویند درگیری دوطرفه‌ای در کار نبوده؛ بلکه پیش‌مرگان یک جناح که جناح موافق خط رهبری است (یعنی خط عبدالله بعلاوه عمر) به پیش‌مرگان جناح مخالف حمله کرده‌اند. از سوی دیگر عمر ایلخانی زاده می‌گوید خانه‌اش به وسیله نیروهای پیش‌مرگ محاصره شده بوده است. من وارد این نمی‌شوم؛ چون از جزئیات که واقعاً کی به کی حمله کرده هنوز اطلاع دقیقی در دست نیست و تأثیر آن‌چنانی هم بر بحث ما ندارد. در هر حال واقعیت هر چه باشد بحث بر سر این است که این دومین بار است که اختلافات درونی این سازمان به درگیری مسلحانه بین جناح‌ها منجر

می‌شود و برای درک درست از این روند باید به مسائل پایه‌ای و پایدارتری در سیاست‌ها و سنت‌های این نیروها رجوع کرد.

خلیل کیوان: اجازه بدهید به

همین مسئله سنت‌ها و سیاست‌ها بپردازیم. سؤال این است که این امر تا چه حد ناشی از سیاست‌های این نیرو است و چقدر به مسئله سنت ناسیونالیستی پیش‌مرگ مربوط می‌شود؟ چرا در سازمانی مثل حزب کومله چنین رخدادهایی را شاهد هستیم؟

حمید تقوائی: به نظر من یک

فاکتور ناتوانی رهبری در منسجم کردن و اقلان و تثبیت اتوریته سیاسی خودش در تشکیلات است. ولی چرا این طور است؟ دلایل به نظر من این است که این نیروها بالاخره از جنبش چپ سرچشمه گرفته‌اند. کومله جزئی از سازمان کردستان حزب کمونیست ایران بود و قبل از آن هم کومله بالاخره کاملاً حساسیت از حزب دموکرات و نیروهای ناسیونالیست راست جدا بود، خودش را چپ و کمونیست می‌دانست، در ماه‌های اول روی کار آمدن جمهوری اسلامی نقش درخشانی در ادامه انقلاب ۵۷ در مقابل ارتجاع تازه به‌قدرت رسیده ایفا کرد و غیره. این منشأ همه این کومله‌هایی است که ما امروز می‌بینیم. خوب روشن است که شما نمی‌توانید از یک بک‌گراند، از یک زمینه، از یک نقطه شروع چپ حرکت کنید و برسید به سیاست‌های راست افراطی؛ سیاست‌هایی که جریان عبدالله مهدی و همچنین زحمت‌کشان نمایندگی می‌کنند. بدنه این حزب، پیش‌مرگ‌ها که به‌خاطر این سابقه به کومله پیوسته‌اند، به راحتی این ناسیونالیسم افراطی را نمی‌پذیرند. کما اینکه من ویدئوکلیپی دیدم که بعد از این درگیری مسلحانه عده‌ای از پیش‌مرگان ناراضی در اعتراض به این وضعیت پرکرده بودند و حرفشان را با شعار زنده‌باد سوسیالیسم تمام کردند. یعنی هنوز پیش‌مرگ‌هایی در صفوف این نیروها هستند که با سوسیالیسم خودشان را معرفی و تداعی می‌کند. در حالی که رهبری این سازمان حتی

نگاهی به درگیری مسلحانه در اردوگاه حزب کومله کردستان از صفحه ۱۰

حزب دموکرات و احزاب کومله و غیره که در اقلیم کردستان عراق مستقر شده‌اند.

به نظر من این اردوگاه‌ها عملاً دو نقش را ایفا می‌کنند. یکی مقر اسکان نیروهای مسلح سازمان‌ها که رسماً این‌طور است و دیگری نوعی اردوگاه پناهندگان که عملاً این موقعیت را دارند. چه خانواده‌های پیشمرگه‌ها و چه مردمی که بالاخره به دلایل مختلف در شهرهای کردستان تحت تعقیب قرار می‌گیرند و می‌خواهند خودشان را نجات بدهند به کردستان عراق پناهنده می‌شوند و ریسمانی که به آن متوسل می‌شوند پیوستن به صفوف پیشمرگه‌ها است. (اینجا وارد بحث چپ و راست نمی‌شوم. برای همه نیروها این شرایط وجود دارد). خانواده‌هایی هستند که در مبارزه نظامی شرکت ندارند. آن‌ها را ندارند و سالمند و یا خردسال هستند و در حال خانواده‌هایی هستند که به این ترتیب در این اردوگاه‌ها و یا حول آنها در کمپ‌های مجاور و مرتبط با آنها در منطقه اقلیمی اسکان یافته‌اند. از این نظر هم این اردوگاه‌ها به‌عنوان محل اسکان پناهندگان برای مردم کردستان اهمیت دارد. جایی است که پناهندگان می‌توانند زندگی نسبتاً امنی داشته باشند. این به نظر من بهتر از اردوگاه‌های پناهندگی متعارف است که تمام تنظیماتش در دست دولت اقلیم باشد و یا حتی در دست سازمان ملل باشد. بالاخره نیروهای اپوزیسیون ایرانی در کردستان عراق این اردوگاه‌ها را کنترل می‌کنند و این از نظر زندگی اجتماعی پناهندگان فاکتور مثبتی است. متبتهی این را باید به رسمیت شناخت که این اردوگاه‌ها فقط اردوگاه‌های نظامی حزبی نیستند و مقر پناهندگان هم هستند.

کلاً به نظر من تا وقتی که احزاب، منظور من احزاب چپ است، تحت تنظیمات دولت اقلیمی سیاست‌هایشان سازش‌کارانه نشود، سیاست‌هایشان اخته نشود، سیاست‌هایشان به دیپلماسی و صرف اردوگاه داری تبدیل نشود، داشتن این اردوگاه‌ها موضوعیت دارند و باید به‌عنوان ملجأ پناهندگان هم شده آنها را حفظ کرد. این ویژه کردستان هم نیست. اردوگاه‌های نیروهای سیاسی در همه جای دنیا وجود دارد. وقتی نیروهای اپوزیسیون یک کشور با سرکوب دولت مربوطه روبرو می‌شوند در کشورهای همسایه پناه می‌گیرند و اگر کشور همسایه هم سیاستش ایجاب کند به آنها اجازه می‌دهد اردوگاه داشته باشند. در این مورد هم همین اتفاق افتاده؛ ولی شرط اساسی این است که سیاست‌های سازمانی که در آن جا مستقر است تحت‌الشعاع ملاحظاتی دیپلماتیک، سازش‌کاری و کوتاه‌آمدن در مقابل دولت اقلیمی قرار نگیرد. این شرط مهمی است.

باتوجه به همه این فاکتورها برای یک حزب سیاسی چپ و کمونیست که محور مبارزه‌اش را جنبش کارگری و جنبش‌های اعتراضی در کردستان و در تمامی ایران، و امروز دیگر انقلاب فراگیری مثل انقلاب زن زندگی آزادی، قرار داده است نیروی نظامی و اردوگاه می‌تواند موضوعیت و نقش مثبتی داشته باشد. اما نیروهایی که ماندن در منطقه یا منطقه‌گرایی و اردوگاه داری و کیش اسلحه به امر هویتی‌شان تبدیل شده تماماً در چارچوب جنبش و سنت ناسیونالیستی قرار می‌گیرند و هیچ قرابتی با سنت‌های رادیکال و کمونیستی ندارند. در تحلیل نهائی درگیری‌های نظامی در سازمانی مثل حزب عبدالله مهتدی را باید نتیجه چنین سیاست‌هایی دانست.

۲۸ ژوئن ۲۰۲۳، ۷ تیر ۱۴۰۲



روشن است که تأکید به مبارزات سیاسی - مدنی در شهرها به معنی دست شستن از نیروی مسلح نیست. نباید گفت که چون شهر برجسته شده باید اسلحه و این سنت و شیوه مبارزه مسلحانه را کنار گذاشت. این سنت وقتی کنار می‌رود که دولتی روی کار بیاید که دست از ستم ملی بردارد و حقوق مردم کردستان را به رسمیت بشناسد و مسئله تبعیض ملی حل بشود. تا وقتی این اتفاق نیفتاده مبارزه مسلحانه و نیروی نظامی هم جایگاه و موضوعیت دارد. ولی همان‌طور که گفتم دو جایگاه کاملاً متفاوت. برای ناسیونالیسم کرد مبارزه مسلحانه امری هویتی و محوری است و این امر هویتی بر مناسبات درونی احزاب هم تأثیر می‌گذارد. یک نوع کیش اسلحه به وجود می‌آید که باعث می‌شود ساختمان و سلسله‌مراتب و هرم تشکیلاتی کم‌کم تحت‌الشعاع فرماندهی نظامی و نیروی نظامی و پیشمرگایی قرار بگیرد. این روندی است که در حزب عبدالله مهتدی هر از چند گاهی به شکل درگیری نظامی درون تشکیلاتی بروز پیدا می‌کند.

در احزاب چپ که اساس و محور کارشان مبارزات اجتماعی در شهرها، جنبش کارگری و مبارزات اجتماعی است که امروز در کردستان وسیع‌تر و قدرتمندتر از هر زمانی در جریان است، مبارزه مسلحانه تنها شیوه‌ای است در خدمت جنبش کارگری و جنبش سوسیالیستی که مرکزش در شهرها است. بخصوص باید توجه کرد که سنت پیشمرگایی از زمانی آغاز شده که هنوز جامعه کردستان فتودالی بوده است و پیشمرگه‌ها اساساً از روستاها بر می‌خاستند، مفرشان در کوه‌ها بوده است و حتی کسی که در شهر می‌خواست به مبارزه کند باید به اصطلاح به کوه می‌زده.

این شرایط اجتماعی امروز کاملاً عوض شده است. فعالین در خود شهرها در عرصه‌های مختلف مبارزه می‌کنند. به‌عنوان نمونه جنبش کارگری در کردستان موقعیت مهمی در جنبش کارگری در سراسر ایران پیدا کرده و پیوند عمیقی بین مبارزات کارگران کردستان و بقیه ایران وجود دارد. همین‌طور است در مورد جنبش زنان و جنبش دانشجویی و معلمان و جنبش دادخواهی و غیره و غیره. این را داریم هر روز مشاهده می‌کنیم؛ بنابراین بخصوص در این شرایط محور و هویت را نیروی مسلح و مبارزه نظامی تعریف‌کردن کاملاً امری عقب‌مانده و از واقعیت امروز جامعه کردستان به‌دور است.

فاکتور دیگر همان‌طور که گفتید این است که مدت‌هاست نیروهای مسلح اپوزیسیون به خارج از کردستان ایران رانده شده‌اند و فعالیت چندانی ندارند. زمانی پیشمرگه‌ها مناطق آزاد در دست داشتند و در خود ایران فعالیت می‌کردند. اما مدت‌هاست به خاک عراق رانده شده‌اند و جمهوری اسلامی توانسته نیروهای خودش را بر کردستان مسلط کند. باین حال اینها اردوگاه‌های نظامی را نگه داشته‌اند. ما در نفس اردوگاه نظامی داشتن هیچ اشکالی نمی‌بینیم این می‌تواند یک نقطه قدرت نیروهای چپ باشد که در فردایی که شرایط اجازه بدهد این نیرو می‌تواند کاملاً کمک کند به انقلاب و به جنبش انقلابی در کردستان و در سراسر ایران. ولی همان‌طور که اشاره کردم باید توجه داشت که محور کار و اساس مبارزه نیروهای چپ در کردستان شهرها، جنبش کارگری، جنبش آزادی‌بخش زنان، امروز دیگر جنبش دادخواهی و جنبش‌های دیگر هست. نیروی نظامی را هر زمان امکانش به وجود آمد باید در خدمت این جنبش‌ها بکار گرفت.

تا آنجا که به اردوگاه‌ها در خاک عراق مربوط می‌شود این اردوگاه‌ها هنوز رسماً مقر پیش‌مرگان است. اردوگاه نیروهای مسلح احزاب مختلف کرد،

اطلاعه‌های حزب کمونیست کارگری در هفته اخیر

خبرها در ایرانشهر مأمورین امنیتی حکومت با مردم معترض درگیر شدند. طبق گزارشات، حکومت امروز شمار زیادی از خودروهای نظامی و نیروهای سرکوب به سمت دزآب گسیل داشت. در زاهدان نیز نیروهای نظامی به صورت گسترده در سطح شهر و فلکه خیام خیابان غدیر استقرار داشتند. از جمله نیروهای امنیتی و نظامی با ده‌ها خودرو شخصی که اکثراً سمند سفیدرنگ بودند اقدام به بازداشت بسیاری از شهروندان در خیابان‌های غدیر، مدنی، توحید، خیام و مدرس در محدوده مسجد مکی و مصلی کردند. امروز همچنین نیروهای امنیتی و نظامی در شهرهای راسک، خاش، سراوان، و حضور پررنگی داشتند و در همه معابر ورودی و خروجی‌ها مستقر بودند.

خبرها همچنین حاکی است که در گرمای بالای ۴۵ درجه شهرهای بلوچستان و مناطق بلوچ‌نشین زاهدان و شهرستان‌های خاش، ایرانشهر و شهرهای دیگری، آب و برق به صورت گسترده قطع شده و جان مردم به خطر افتاده است.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲ تیر ۱۴۰۲، ۲۳ ژوئن ۲۰۲۳

فراخوان بازنشستگان فولاد و تأمین اجتماعی به تجمعات سراسری

بازنشستگان تأمین اجتماعی در ادامه یکشنبه‌های اعتراض خود برای ساعت ده صبح روز چهارم تیرماه به تجمع در مقابل ساختمان تأمین اجتماعی در تمام شهرها فراخوان داده‌اند. اعتراض این بازنشستگان به بدتر شدن هر روز بیشتر وضع معیشتی‌شان و اختلاس‌ها و دزدی‌ها است. بازنشستگان تأمین اجتماعی در فراخوان خود بر عدم اجرای موادی از قوانین خود حکومت که می‌تواند بهبود اندکی در میزان مستمری آنها ایجاد کند و نیز عدم اجرای ماده ۵۴ قانون تأمین اجتماعی در رابطه با خدمات درمانی رایگان اعلام اعتراض کرده‌اند. بعبارت دیگر همان مفادی هم که در قوانین ضد کارگری قانون کار و یا تأمین اجتماعی وجود دارد عملی نمی‌شود. بازنشستگان تأمین اجتماعی بر اجرای کامل همسان‌سازی و افزایش حقوق‌ها به بالای خط فقر که اکنون از رقم سی میلیون صحبت می‌شود و درمان رایگان و پایان دادن به دزدی‌ها از صندوق بازنشستگان و بازگردانده شدن پول‌های به سرقت رفته به این صندوق تأکید دارند. این بازنشستگان در انتهای فراخوان خود می‌نویسند: "هر روز سفره‌هایمان کوچک و کوچک‌تر می‌شوند؛ دیگر وقت ماماشات و دست روی دست گذاشتن نیست. فقط کف خیابون، بدست میاد حقمون".

فراخوان دیگر برای برپایی تجمعات سراسری اعتراضی در این روز از سوی بازنشستگان فولاد برای ساعت نه و نیم صبح در مقابل دفاتر امور بازنشستگی در سراسر کشور است. خواست‌های فوری اعلام شده در این فراخوان عبارت‌اند از: پیگیری موضوع حاد و مهم درمان، پرداخت کامل معوقات سال ۱۴۰۰ در اولین فرصت، حفظ ماهیت فولادی، تکمیل همسان‌سازی بر مبنای ویژگی‌های شاغل فولادی، و بازگشت جایگاه واقعی صندوق فولاد در برنامه هفتم توسعه.

بازنشستگان فولاد در فراخوان خود با تأکید بر دو شعار "فقط کف خیابان، بدست میاد حقمون"، "اختلاس تورم بالای جان مردم" هم‌صدا علیه فقر و گرانی به‌پاخاسته و فریاد می‌زنند: معیشت منزلت حق مسلم ماست.

اطلاعه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

در باره درگیری مسلحانه در اردوگاه سازمان زحمت‌کشان

در کردستان

صبح روز ۱ تیرماه ۱۴۰۲ (۲۲ ژوئن ۲۰۲۳) در ادامه به بن‌بست رسیدن پروسه وحدت دو سازمان حزب کومله کردستان ایران و کومله زحمت‌کشان کردستان بر اثر درگیری مسلحانه این دو جریان در اردوگاهی در اطراف سلیمانیه در کردستان عراق دو نفر از افراد مسلح این دو سازمان به نام‌های هیوا صادقی و سامان ابراهیمی جانشان را از دست دادند و دو نفر نیز مجروح شدند.

درگیری مسلحانه میان نیروهای مسلح این دو سازمان ناسیونالیست، فرقه‌ای و غیرمسئول نتیجه بن‌بست و شکست سیاسی این جریانات از یکطرف و از طرف دیگر سنت متوسل شدن به روش‌های سرکوبگرانه و مسلحانه در مباحثات سیاسی است که به کرات از جانب این جریانات شاهد بوده‌ایم.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران، به بستگان هیوا صادقی و سامان ابراهیمی صمیمانه تسلیت می‌گوید و رهبری این دو سازمان را که مسئول مستقیم این درگیری و کشته و مجروح شدن چهار نفر از اعضای آنها شد شدیداً محکوم می‌کند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

۱ تیرماه ۱۴۰۲ (۲۲ ژوئن ۲۰۲۳)

تظاهرات گسترده مردم در زاهدان

و چند شهر دیگر سیستان و بلوچستان

امروز دوم تیرماه مردم در شهر زاهدان علی‌رغم فضای امنیتی حاکم در این شهر و استقرار نیروی سرکوب بسیار در شهر، در سی و هشتمین هفته اعتراضاتشان و علیه سرکوبگری‌های حکومت و در ادامه انقلاب زن، زندگی، آزادی تظاهرات بزرگی بر پا داشتند. در این روز علاوه بر زاهدان شهرهای دیگر استان سیستان و بلوچستان از جمله در خاش، راسک، سوران، ایرانشهر، چابهار و روستای جکیگور نیز صحنه اعتراضات مردم بود. در این اعتراضات مردم شعار می‌دادند: "کرد و بلوچ، ترک و عرب، اتحاد اتحاد"، "سیستم قاتل نمی‌خوایم، رهبر قاتل نمی‌خوایم"، "قسم به خون یاران ایستاده‌ایم تا پایان"، "زاهدان ایستاده تا پایان"، "مرگ بر خامنه‌ای، مرگ بر بسیجی"، "زندانی سیاسی آزاد باید گردد"، "تجاوز جنایت مرگ بر این ولایت"، "تجاوز جنایت لعنت به این حکومت"، "ایرانی، اتحاد، انقلاب، آزادی"، و "مرگ بر خامنه‌ای".

بعلاوه مردم در این تجمعات با در دست داشتن نوشته‌هایی صدای اعتراضشان را بلند کردند. دست‌نوشته‌های قابل توجه عبارت بودند از: "ملت‌های غیر فارس مستحق تحصیل به زبان مادری، داشتن احزاب سیاسی مستقل و تعیین سرنوشت برای آینده خود هستند"، "نه شیخ نه شاه"، "بلوچ و فارس دو بال پرندای هستند که تنها با اتحاد به پرواز خواهند آمد".

در راسک مردم با در دست داشتن پلاکاردهای اعتراضی خواستار مجازات عاملان و آمران کشتار مردم در جمعه‌های خونین زاهدان و خاش شدند. بنا بر

تجمعات بازنشستگان مخابرات در نزدیک به ده شهر

و دو خبر دیگر

در ادامه اعتراضات هر روزه بخش‌های مختلف بازنشستگان، امروز پنجشنبه تیرماه بازنشستگان مخابرات نیز در چندین شهر دست به تجمع و اعتراض زدند. این تجمعات در ادامه دوشنبه‌های اعتراض علیه فقر و گرانی و بی‌تامینی و برای پیگیری مطالبات، در مقابل ادارات مخابرات انجام شد. بازنشستگان مخابرات از جمله در شهرهای ایلام، هرمزگان، خرم‌آباد، اراک، ساری، سنجند، اصفهان و شهرکرد برگزار گردید. در این تجمعات تجمع‌کنندگان خطاب به مسئولین اعلام داشتند که تا وقتی به خواست‌هایشان پاسخ داده نشود و به حقوق خود نرسند به تجمعاتشان ادامه خواهند داد. بازنشستگان مخابرات به عدم اجرای کامل آئین‌نامه پرسنلی و استخدامی و رفع مشکلات بیمه درمانی‌شان اعتراض دارند. افزایش حقوق‌ها به بالای خط فقر که امروز رقم آن حداقل ۳۰ میلیون تومان است و درمان رایگان دو خواست فوری آنهاست.

در این تجمعات بازنشستگان شعار می‌دادند: "وعده‌و وعید کافیه، سفره ما خالیه"، "مدیر بی‌لیاقت استعفا استعفا"، "از بس دروغ شنیدیم، یک روز خوش ندیدیم. در اهواز بازنشستگان مخابرات با شعار بازنشسته می‌میرد، ذلت نمی‌پذیرد در سطح شهر راهپیمایی کردند و خیابان را به صحنه اعتراض خود تبدیل کردند.

در این روز همچنین کارگران رسمی شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت‌تپه در خصوص عدم اجرای دقیق بازرگری طرح طبقه‌بندی مشاغل و سطح نازل حقوقی‌هایشان تجمع داشتند.

همچنین روز گذشته چهارم تیرماه معلمان بازنشسته در یزد در اعتراض به سطح نازل حقوق‌ها و با خواست اجرای همسان‌سازی و افزایش حقوق‌ها در حد قابل قبول و درمان رایگان و دیگر مطالباتشان دست به تجمع زدند. یک شعار اعتراض معلمان بازنشسته در تجمعاتشان آزادی معلمان زندانی، کارگران زندانی و همه زندانیان سیاسی بوده است.

حزب کمونیست کارگری ایران

۵ تیر ۱۴۰۲، ۲۶ ژوئن ۲۰۲۳

تجمع اعتراضی کارگران قراردادی در نیشکر هفت‌تپه، معلمان

بازنشسته در کرمانشاه و اردبیل و یزد و دو خبر دیگر

روز ۷ تیرماه ۱۴۰۲، کارگران رسمی و تعدادی از کارگران قراردادی شرکت نیشکر هفت‌تپه برای چندمین بار در اعتراض به عدم اجرای دقیق طرح طبقه‌بندی مشاغل که می‌تواند چندرغازی به مزدشان اضافه کند و دیگر خواست‌های پاسخ نگرفته‌شان مقابل دفتر مدیریت شرکت تجمع و اعتراض کردند و خواستار پاسخگویی مسئولین به خواست‌هایشان شدند. کارگران اعلام کرده‌اند که تا وقتی به نتیجه نرسند به اعتراضاتشان ادامه خواهند داد.

روز شش تیر معلمان بازنشسته در کرمانشاه و اردبیل و در چهار تیر در یزد در اعتراض به فقر و گرانی و برای پیگیری خواست‌هایشان مقابل ساختمان صندوق بازنشستگی تجمع کردند. در اردبیل بازنشستگان شعار می‌دادند: "نورم گرانی، ننگ بر این زندگی"، و "معلم زندانی، آزاد باید گردد".

در کرمانشاه یکی از بازنشستگان طی سخنرانی ای اعتراض خود را به فقر و فلاکت و تبعیض طبقاتی اعلام دشت و گفت: "سرانجام فلاکت به پایان می‌رسد. سرانجام این یلدای طولانی میهن به پایان می‌رسد. آفتاب عدالت و برابری از پس البرز و دماوند بر سرزمین کهن ایران‌زمین می‌تابد. سرانجام همه

یک موضوع اعتراض همه بخش‌های بازنشستگان به تعرض حکومت به زندگی و معیشتشان در برنامه هفتم توسعه است و درمان رایگان خواست فوری همه آنهاست. حزب کمونیست کارگری از خواست‌ها و مبارزات بازنشستگان قاطعانه حمایت و پشتیبانی می‌کند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۳ خرداد ۱۴۰۲، ۲۴ ژوئن ۲۰۲۳

تجمعات اعتراضی بازنشستگان تأمین اجتماعی

و فولاد اصفهان و دو خبر دیگر

اعتراضات بازنشستگان در شهرهای مختلف همچنان ادامه دارد. امروز ۴ تیرماه بازنشستگان تأمین اجتماعی با فراخوانی از قبل اعلام شده و در ادامه یکشنبه‌های اعتراض در چندین شهر مقابل تأمین اجتماعی تجمع و اعتراض کردند. این تجمعات در شهرهایی چون شوش، رشت، کرمانشاه، شوشتر و اهواز برگزار شد. در شوش بازنشستگان تأمین اجتماعی در حالی که شعارهای اعتراضی خود را سر می‌دادند از درب ورودی تأمین اجتماعی به طرف اداره کار راهپیمایی کردند و در آنجا با اعلام اعتراض به مصوبه مزدی شورای عالی کار پیگیر خواست‌های اعلام شده خود شدند. تجمعات بازنشستگان در شهرهای جنوب ایران در حالی برگزار شد که دمای هوا بالای ۴۵ درجه و بسیار طاقت‌فرسا بود.

در این اعتراضات بازنشستگان شعار می‌دادند: "تا حق خود نگیریم، از پا نمی‌نشینیم"، "بازنشسته می‌میرد، ذلت نمی‌پذیرد!"، "وعده‌و وعید کافیه، سفره ما خالیه"، "نورم اسف‌بار حاکم شده تو بازار"، "نگ ما ننگ ما، وزیر الدنگ ما".

در این روز همچنین بازنشستگان فولاد در مقابل صندوق بازنشستگی فولاد تجمع کردند و خواهان دسترسی به درمان و معیشت مناسب شدند.

اعتراض علیه فقر و گرانی، وضع بد معیشتی و بی‌تامینی، محرومیت از درمان رایگان، دزدی‌ها و اختلاس‌ها، امنیتی شدن اعتراضات، اعتراض به مصوبه مزدی چند بار زیر خط فقر شورای عالی کار از جمله موضوعات مشترک اعتراضات بخش‌های مختلف بازنشستگان است.

در این روز علاوه بر بازنشستگان شماری از کارکنان تعاونی‌های سهام عدالت از شهرستان‌های مختلف کشور در مقابل ساختمان کانون شرکت‌های سرمایه‌گذاری سهام عدالت در تهران، دست به تجمع زدند. این تجمع در اعتراض به نداشتن امنیت شغلی و عدم پرداخت مطالبات مزدی کارگران برگزار شد.

روز گذشته سوم تیرماه نیز سرایداران و خدمتگزاران آموزش‌وپرورش از سراسر کشور با برپایی تجمعاتی مقابل سازمان استخدامی کشور و آموزش‌وپرورش، خواهان رسیدگی به مطالبات خود شدند. اعتراض تجمع‌کنندگان به سطح پایین حقوق‌ها و تبعیض بین آنها و بقیه کارمندان، و وضع بد معیشتی‌شان بود.

حزب کمونیست کارگری ایران

۴ خرداد ۱۴۰۲، ۲۵ ژوئن ۲۰۲۳

اعدام قتل عمد دولتی است!

روز ۶ تیرماه شماری از شهروندان دارای معلولیت در تهران، در اعتراض به "عدم اجرای قانون حمایت از معلولان" و وضع بسیار بد معیشتی خود در مقابل ساختمان قوه قضائیه دست به تجمع زدند.

روز ۶ تیر جمعی از کشاورزان در قزوین، در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالباتشان و مسئله حقایبه و وضع بد معیشتی خود در مقابل درب استانداری، تجمع و اعتراض کردند.

روز ۵ تیر جمعی از نانوایان در مشهد در اعتراض به هزینه‌های سنگین معیشتی و در آمد بسیار کم خود مقابل اتحادیه نانوایان تجمع کردند.

اعتراض علیه گرانی، فقر و بی‌تامینی یک محور سراسری اعتراضات مردمی توسط بخش‌های مختلف مردم است.

حزب کمونیست کارگری ایران

۷ تیر ۱۴۰۲، ۲۸ ژوئن ۲۰۲۳

جلوه‌های گوناگون ظلم و تبعیضات گوناگون نژادی، جنسیتی و مذهبی برچیده خواهد شد. سرانجام همه کودکانمان نه در مدارس مختلف بلکه در یک نوع مدرسه آن‌هم با امکانات به‌روز به فراگیری دانش و تربیت خواهند پرداخت. سرانجام پدیده شرم‌آور زباله‌گردی، کودکان کار، گورخوابی، پارتی‌بازی و غیره با همت مردم آگاه و متحد نابود خواهد شد. سرانجام فاصله طبقاتی وحشتناک آن‌هم در کشور ثروتمندی چون ایران رخت برخواهد بست و سرانجام بازنشستگان آگاه، شجاع، متحد، بااراده و مطالبه‌گر و خستگی‌ناپذیر به حقوق قانونی خود دست خواهند یافت. به امید آن روز. سخنان این بازنشسته با کف‌زدن حاضرین همراه شد. همسان‌سازی حقوق‌ها و افزایش آن به بالای خط فقر که امروز رقم آن سی‌میلیونی است، درمان رایگان، پایان‌دادن به امنیتی‌کردن مبارزات و آزادی معلمان زندانی، پایان‌دادن به اختلاس‌ها و دزدی‌ها، از جمله خواست‌های اعلام شده معلمان بازنشسته در تجمعاتشان بوده است و هم اکنون دور جدیدی از اعتراضات بازنشستگان معلم آغاز شده است.

کمک مالی به حزب

داریوش رهایی ۵۰ یورو

تاراز ۵۰۰ کرون

پیتر Peter ۲۵۰ کرون

رضا Dechanta ۱۰۰۰ کرون

راحله ۱۰۰۰ کرون

حجت ۱۰۰۰ کرون

عبدالله ۶۰۰ کرون

عثمان مردوخ ۲۰۰۰ کرون

طاهره ترکمنی ۱۰۰ کرون

مینا ۵۰۰ کرون

هدایت ۶۰۰ کرون

هستی ۲۵۰ کرون

هوشنگ ۱۰۰۰ کرون

کمک به کمیته کردستان حزب

سهراب وفا ۲۸۰ دلار

شجاع تگزاس ۱۵۰ دلار

عباس ایاغ ۱۰۰ دلار

هاشم قربانی ۵۰ دلار

صادق احمدی ۵۰ دلار

با تشکر صمیمانه از همه این عزیزان





رژیم آپارتاید جنسی در ایران، مانند رژیم آپارتاید نژادی در آفریقای جنوبی، باید از جامعه جهانی اخراج شود! سرنگون باد جمهوری اسلامی!

به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید!

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: میلاد رابعی

ادیتور: کاظم نیکخواه

مسئول فنی: سروناز سینایی

anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته جمعه ها منتشر میشود

<https://www.facebook.com/wpiran>

تلگرام: https://t.me/wpi_hkki

<https://www.wpiran.org/>

<https://www.instagram.com/wpi91>

anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته جمعه ها منتشر می شود.

فیسبوک حزب: www.facebook.com/wpiran

اینستگرام: www.instagram.com/wpi91

تلگرام: [telegram.me/wpi_hkki](https://t.me/wpi_hkki)

وبسایت: www.wpiran.org

ماهواره یاه ست

فرکانس، ۱۱۷۶۶

پولاریزاسیون، عمودی

سیمبل ریت، ۲۷۵۰۰

اف ای سی، ۷/۸

ماهواره یوتلست

فرکانس، ۱۱۳۸۷

پولاریزاسیون، عمودی

سیمبل ریت، ۲۷۵۰۰

اف ای سی، ۵/۶

KANAL JADID
کانال جدید

پخش زنده آنلاین؛



newchannel.tv/live/tv

فرکانس های

تلویزیون کانال جدید

در ماهواره های؛

www.newchannel.tv
nctv.tamas@gmail.com